



بحران کرونا؛ تغییر یا تداوم الگوهای حکمرانی در دولت جمهوری اسلامی ایران

علی قدیری نوفرست*

وحید سینایی**

چکیده

استمرار وجود ویروس کرونا و امکان‌ناپذیری چشم‌اندازی برای پایان آن، یک مسئله پزشکی را به امری اجتماعی تبدیل کرده است. «بحران بودگی کرونا» مانند رخدادهایی چون جنگ، انقلاب، یا بیماری‌های همه‌گیر دیگر می‌تواند به عنوان یک عامل محرک برای تغییر سیاست ملی به شمار آید و بر سرنوشت کشورها تأثیر بگذارد. اکنون شیوه رویارویی دولت‌ها با این بحران و گمانه‌زنی‌ها درباره تأثیر آن بر دولت‌ها، موضوع تبادل نظرهای گسترده‌ای است. اما آیا بحران کرونا سبب تغییر الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران شده است؟ در این مقاله با بهره‌گیری از نظریه آشوب جرد

* (نویسنده مسئول) دانشجوی دکترای گروه علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، دانشکده حقوق و

علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، (alighadirinofereest@mail.um.ac.ir)

** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،

ایران، (sinaee@um.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۲/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰

دایموند و به روش توصیف پرمایه با محوریت برخی داده‌های خبری، اطلاعات، و آمار منتشرشده، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش برآمده‌ایم. براساس مؤلفه‌های دوازده‌گانه نظریه آشوب، در راستای هماهنگی و انطباق نسبی با «وضعیت اضطراری ویروسی»، تغییراتی در روش‌های حکمرانی دولت در ایران در دستورکار قرار گرفته است که با توصیف دقیق شرایط تاریخی، اجتماعی، و سیاسی می‌توان پرسش‌های مربوط به تداوم یا تغییر الگوهای حکمرانی در ایران، متأثر از بحران کرونا را مطرح و بررسی کرد. به نظر می‌رسد، ساخت دولت در جمهوری اسلامی به گونه‌ای صورت‌بندی شده است که بحران کرونا نمی‌تواند الگوهای حکمرانی آن را تغییر دهد و با وجود برخی تغییرات موردی متأثر از شرایط خاص کرونایی، تداوم یافته‌اند.

واژگان کلیدی: بحران، تغییر، تداوم، ویروس کرونا، دولت جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

شاید زمانی که برای نخستین بار در ۲۴ آذر ۱۳۹۸ گسترش ویروس کرونا در شهر «ووهان» چین گزارش شد، کمتر کسی تصور می کرد که این ویروس، به سرعت مرزهای کشورهای گوناگون را درنوردد و با رهسپاری در مسیرهای زیست جهانی به مشکلی عالم گیر تبدیل شود. گسترش غافلگیرکننده این ویروس در جهان سبب شد که هریک از کشورهای دنیا برای کنترل سرعت انتشار آن، به روشی عمل کنند. اگرچه ویروس کرونا اکنون در بسیاری از کشورهای جهان گسترش یافته است، نحوه مقابله دولت ها با آن متفاوت بوده و در نتیجه، شرایط متفاوتی نیز در کشورهای گوناگون رقم خورده است. روش واکنش هر کشور (از جمله ایران) به ویروس کرونا و پیامدهای آن، به عوامل فراوانی بستگی دارد و همین امر سبب شده است که پژوهشگرانی مانند تقی آزاد/رمکی از «کرونای ایرانی» نام ببرند (آزاد/رمکی، ۱۳۹۹ الف)؛ در نتیجه، وراي تأثیرات مشترک جهانی گسترش کرونا بر کشورها، تأثیرات خاص این همه گیری بر هر کشور با توجه به عوامل داخلی متفاوت آن ها، مورد توجه تحلیلگران بوده است. در این زمینه، شاید امکان سنجی تغییر الگوهای حکمرانی در کشورها در پس تصمیم گیری های متفاوت و برخی دگرگونی های سیاست گذاری در روزگار کرونایی، در مقایسه با وضعیت پیشاکرونایی، بیش از هر چیز اهمیت داشته باشد.

درباره مسئله جایگاه بحران ها به عنوان عامل محرکی برای تغییر سیاست ملی یا ضرورت وجود بحران ها برای برانگیختن اقدام کشورها در راستای تغییر الگوهای حکمرانی، نمی توان پاسخی قطعی و جهان شمول ارائه داد، زیرا در تجربه کشورهای گوناگون، هم کشورهایی را می توان یافت که بر اثر تکان های بزرگ بیرونی، اجرای برنامه فشرده تغییرات را در دستور کار قرار داده اند (مانند انگلستان قرن چهاردهم میلادی که پس

از تجربه طاعون به مثابه یک بزنگاه تاریخی، بنیادهای نظم فئودالی اش به لرزه افتاد و با درهم شکسته شدن «نهادهای بهره کش» و جایگزینی آن‌ها با نهادهای فراگیر، مسیر متفاوتی را پیمود که به انقلاب صنعتی ختم شد (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۳۱)، و هم‌کشورهایی را مشاهده کرد که به جای انفعال و انتظار تجربه بحران‌ها، خود پیش‌دستی کرده و تغییراتی را برای کنترل و مدیریت بهینه بحران‌ها و پیامدهای آن، عملیاتی کرده‌اند (مانند سنگاپور که پس از گسترش سارس در سال ۲۰۰۳ با شعار «آمادگی برای مقابله با بیماری‌های همه‌گیر، سال‌ها پیش از گسترش بیماری آغاز می‌شود»، ایجاد نهادهایی همچون «مؤسسه رهبری برای دگرگونی سلامت جهانی»، و تغییر برخی الگوهای حکمرانی در راستای ایجاد نظام مستحکم سلامت عمومی، در هنگامه بحران جهانی کرونا، نسبت به کشورهای دیگر آسیب کمتری را متحمل شد و به منزله الگوی موفق در مبارزه با این عالم‌گیری، مورد توجه جهانی قرار گرفت (بارون، ۱۳۹۹: ۶۱-۶۴)). در جهان، نمونه‌های گوناگونی از تجربه کشورهای دسته نخست وجود دارد که در واکنش به بحران‌ها، انگیزه اقدام در آن‌ها پدید آمده و تجربه بحران سبب شده است که تغییرات بنیادینی رقم بخورد. این وضعیت، به ویژه در کشورهایی که به سبب فقدان بحران‌های برانگیزنده، هیچ اقدام قاطعی در راستای تغییر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان آن‌ها مشاهده نمی‌شود، اهمیت بیشتری دارد. این کشورها با نوعی اینرسی و گرایش به حفظ وضع موجود روبه‌رو هستند و در آن‌ها برخی نیروهای اجتماعی به دلیل وجود منافعشان در حفظ وضعیت موجود، در برابر هرگونه تغییری به شدت مقاومت می‌کنند. گاهی رخدادهای بزرگ و نامطلوبی که به گونه‌ای ناگهانی رخ می‌دهند، بیش از رویدادهایی که به تدریج شکل می‌گیرند، تحریک‌کننده‌اند یا بیش از چشم‌انداز رویدادهای بزرگ و ناخوشایند آینده اثرگذارند. حال پرسش اصلی این است که «آیا بحران کرونا موجب تغییر الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران شده است؟»

۱. پیشینه پژوهش

در مورد گسترش بیماری‌های واگیردار و بحران‌ها و پیامدهای ناشی از آن‌ها متون بسیار زیادی تولید شده است. *فرانک /سنودن* در کتاب «اپیدمی‌ها و جامعه: از

طاعون سیاه تا امروز» نشان داده است که چگونه گسترش بیماری سبب سیاست‌گذاری‌های متفاوت، انقلاب‌های از میدان‌به‌درشده، سنگربندی نژادی، و تبعیض اقتصادی شده است (چاتنر، ۱۳۹۹: ۱۱).

مایکل والتز دالس نیز در کتاب «طاعون و افول تمدن اسلامی» نشان داده است که چگونه مرگ سیاه سبب کاهش جمعیت در نیمه دوم قرن‌های چهاردهم و پانزدهم شده است و به این ترتیب، تأثیر همه‌جانبه‌ای بر جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان گذاشت (دالس، ۱۳۹۵: ۲۳۱).

جرید دایموند در کتاب «اسلحه، میکروب، و فولاد؛ سرنوشت جوامع انسانی»، اهمیت بیماری‌های برآمده از حیوانات و میکروب‌های مرگبار در تاریخ بشر، به‌ویژه کشورگشایی‌های اروپایی‌ها و برخورد دنیای نو و قدیم را بررسی کرده است (دایموند، ۱۳۹۹: ۲۵۸). میشل فوکو در انگاره «زیست سیاست» خود، با بررسی فرایند گسترش و کنترل بیماری‌های عفونی همه‌گیر در تاریخ غرب، از آن به‌عنوان یک الگوی فکری بهره برده است تا ظهور گونه‌های قدرت و شیوه‌های حکمرانی گوناگون را برپایه الگوهای ایدئال تبیین کند. او در توضیح چگونگی ظهور «فن لیبرال حکمرانی»، محرک مخاطره را یکی از دلالت‌های اصلی لیبرالیسم، ارزیابی کرده و سراسربینی ناشی از آن را «خود قاعده حکومت لیبرال» معرفی می‌کند (فوکو، ۱۳۸۹: ۹۸-۹۹).

با رویکرد پیش گفته، در تجربه ایران، نویسنده «تجدد بومی و بازاندیشی تاریخی» بر این نظر است که در آستانه مشروطیت، وحشت دولت قاجار از گسترش وبا و بیماری‌های مسری دیگر، با صدور فرمان مشروطیت رابطه‌ای منطقی دارد و اساساً تجدد ایرانی با کوشش‌های حکومت برای پیشگیری از «عفونت هوا» - که دلیل اصلی پیدایش بیماری‌های واگیرداری مانند حصبه و وبا شناخته شده بود، آغاز شد، زیرا مرگ و میر ناشی از این گونه بیماری‌ها در طول زمان، دولت قاجار را مجبور به توسعه و بهسازی حریم عمومی همسو با «منافع عامه» و «حفظ‌الصحه عمومی» کرد. دخالت دولت قاجار در این امور، از یک سو به تعمیم دولت و شکل‌گیری «نظام جدید»، و از سوی دیگر، به شکل‌گیری «دولت فضولی» انجامید که برای پیشبرد «منافع عامه»، در تمام امور زندگی مردم مداخله می‌کرد (توکلی طرقی، ۲۰۰۹: ۴۲۲-۴۲۳).

افخمی نیز همسو با توکلی طرقی، بر این نظر است که همه‌گیری وبا و تحولات

ناشی از آن مانند دگرگون شدن نهادهای کشور، الگوهای حکمرانی، و دیدگاه‌های عمومی به مقوله پزشکی و سلامت، نقش بنیادینی در ظهور و توسعه مدرنیته در ایران داشت. او بر این نظر است که انقلاب مشروطه در ایران، جز از رهگذر رشد یک نگرش همه‌گیری سکولار و تغییر پارادایم اعمال خدایان به میکروبیولوژی ناشی از پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترش و با در سال ۱۲۸۳ به وقوع نمی‌پیوست. افخمی تأکید می‌کند که در پی گسترش و با در کشور، به تدریج نگاه تقدیرگرایانه به سنت‌های تغییرناپذیر الهی، در ذهنیت عمومی به تجربه گرابی عرفی و درمان بیماری توسط مقامات دنیوی گرایش یافت و همین مهم، کاستی‌های موجود در دولت قاجار در هنگامه و با را عیان کرد و انباشت نارضایتی‌های عمومی و ظهور انجمن‌های مخفی را در پی داشت (افخمی، ۲۰۱۹: ۱۳۴-۱۳۵)؛ در نتیجه، این ایده که بحران‌های ناشی از بیماری‌های همه‌گیر، تاریخ و شرایط حکمرانی دولت‌ها در جهان، و البته ایران، را تغییر می‌دهد، طرفدارانی جدی دارد؛ اگرچه در مورد تجربه ایران و تأثیر بیماری‌های همه‌گیر بر شیوه حکمرانی، باید این نکته را افزود که مصیبت‌های عامی مانند وبا و طاعون، همواره در تاریخ ایران وجود داشته‌اند، اما تا پیش از برآمدن عصر جدید و رصدپذیر شدن ایران ذیل نگاه غرب و در یک فضا زمان جدید حاکم بر جهان، به مسئله‌ای برای حکمرانی و در پیوند با سیاست تبدیل نشده بودند (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۱۱).

در مورد ویروس کرونا، نویسنده کتاب «پاندمی کرونا دنیا را تکان می‌دهد»، این ایده را مطرح کرده است که عالم‌گیری ویروس کرونا، یک حمله مرگبار بر نظام سرمایه‌داری جهانی است و تغییری رادیکال - خلق و ظهور کمونیسم در کشورها - احتمال ظهور دارد (ژیتک، ۱۳۹۹: ۳۵-۳۳).

جورجو آگامبن در یادداشت کوتاهی، محدودیت‌ها، ممنوعیت‌ها، و تعلیق فعالیت روزمره در کشورها در نتیجه گسترش ویروس کرونا را اضطراری ناموجه ارزیابی می‌کند و بر این نظر است که این گونه اقدامات ناشی از «ابداع یک بیماری همه‌گیر»، نه تنها سنخیتی با میزان خطر کرونا ندارند، بلکه پس از پایان تاریخ مصرف تروریسم، دستاویز جدیدی برای توسل به وضعیت استثنائی، به‌عنوان پارادایمی برای دولت و نوعی «نظامی‌سازی قانونی» بخش‌های گوناگون کشور و تعلیق آزادی‌های فردی در نظام‌های لیبرال‌دموکراسی است (آگامبن، ۱۳۹۹: ۱۲۱-۱۲۰).

۱۲۰). اساساً یکی از دغدغه‌های تحلیلگران سیاسی درباره آینده دولت در شرایط کرونایی و پس‌از آن، «لویاتانی شدن» دولت است که در پیوند با پدیده‌هایی مانند سیاست هویت و ملی‌گرایی، به تشدید اقتدارگرایی بینجامد و نیاز به امنیت برای جامعه، به دستاویزی برای خیزش دولت‌ها در راستای تحدید قلمرو جامعه مدنی تبدیل شود (فزلسفلی، ۱۳۹۹: ۸۳). با این حال، *دارون عجم/اوغلو* در پیش‌بینی خود از سناریوهای احتمالی دولت‌ها در دوران پسا کرونا، به جز ظهور الگوی لویاتان چینی در لحظه‌های، از سه سناریوی احتمالی دیگر نیز یاد می‌کند: تداوم روال تراژیک موجود و تکرار ناکارآمدی‌های فعلی، بردگی دیجیتال، و سرانجام، بازسازی دولت رفاه و ظهور دولت‌های دموکراتیک و مسئولیت‌پذیر (*عجم‌اوغلو*، ۱۳۹۹/۰۴/۱۹).

درباره تأثیرات گسترش ویروس کرونا بر فرایند سیاست‌ورزی و نهاد دولت در ایران در وضعیت کرونا می‌توان به پژوهش‌های *خلیلی* و *نصیری حامد* اشاره کرد. *خلیلی* در پژوهش خود با عنوان «بازی تاج‌وتخت کرونا؛ آموزه‌ای برای سیاست‌ورزی ایرانی»، با اشاره به تجربه‌های مشترک کشورها در رویارویی با بحران کرونا، از دگرگونی و فراگشت‌کشورداری در ایران بر اثر «اپیستوکراتیک شدن سیاست» سخن می‌گوید (*خلیلی*، ۱۳۹۹: ۱۱۱).

نصیری حامد نیز در مقاله خود با عنوان «بحران کرونا به مثابه مجالی برای بازاندیشی در وضعیت سیاسی اکنون»، با وام‌گیری از ادبیات فلسفی آگامبن و غور دیرپا در تاریخ ایران، تجربه گسترش ویروس کرونا را در کنار تجربه شیوع وبا و طاعون می‌نشاند و با اشاره به فهم بحران ناشی از بیماری‌های فراگیر و تدابیر دولت‌ها، «وضعیت استثنائی» و شرایط ناشی از آن، مانند تعلیق قانون و پدیدار شدن «هوموساگر» در ایران را به بحث می‌گذارد (*نصیری حامد*، ۱۳۹۹).

سرانجام، می‌توان به دو نوشتار با رویکردی نزدیک به پژوهش حاضر اشاره کرد. *مسعود نیلی* در یادداشتی با عنوان «کرونا در بزنگاه حکمرانی» از دو سناریوی «بهداشتی شدن شیوه حکمرانی» یا «کرونای تورمی» در جریان بحران کرونا در ایران سخن می‌گوید و از ضعف شدید اعتماد به نظام تصمیم‌گیری در حوزه‌های گوناگون، معیارهای نادرست حاکم بر نظام اطلاع‌رسانی عمومی کشور مانند «امیدآفرینی القایی» و «خلأ اطلاع‌رسانی»، مصلحت‌اندیشی‌های هزینه‌زا، و کیفیت ضعیف سیاست‌گذاری انتقاد می‌کند؛ عواملی که

می‌توانند سناریوی دوم را محتمل کنند (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸/۱۲/۲۱).

در مقابل این نگرش بدبینانه، تقی‌آزادارمکی بر این نظر است که کرونا به مثابه یک جریان اجتماعی، تمام عرصه‌های زیست‌ایرانی را درنوردیده و با ایجاد تغییرات عمده در نظام اجتماعی و سیاسی ایران، مسیر حکمرانی را متفاوت از گذشته می‌سازد. یکی از مهم‌ترین تغییرات در نظر او، ظهور «دولت قوی و نماینده» به جای «دولت قوی مداخله‌گر و سلطه‌گر» است (آزادارمکی، ۱۳۹۹: ۷). آزادارمکی در تحلیل نهایی، تجربه کرونا را عامل «بازگشت دولت» به صحنه تصمیم‌گیری - تبدیل شدن دولت از بازیگر حاشیه‌ای به بازیگر اصلی - می‌داند و با اشاره به برخی از نشانه‌ها در دوران کرونا (مانند همراهی بخش‌های عمده نظام یا ایجاد وحدت درون‌حاکمیتی جدید به دلیل وضعیت اضطرار)، تخصص‌گرایی، یکسان‌سازی سیاست‌های رسانه‌ای، و در یک کلام «حضور مؤثر و نسبتاً کارای نظام سیاسی در میدان مبارزه با کرونا» را نویدبخش «دولت مدرن کارا» در فردای پساکروناپی ایران می‌داند (آزادارمکی، ۱۳۹۹: ۷۴).

با وجود طرح ایده‌های مهم و ارزشمند در این منابع پژوهشی، هیچ‌یک از آن‌ها پیامدهای وضعیت بحرانی ناشی از گسترش ویروس کرونا بر الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران را بررسی نکرده‌اند. بر همین اساس، این پژوهش در گسست از رویه موجود در «کرونانویسی»‌ها و ارائه تحلیل‌های خوش‌بینانه و بدبینانه بدون ابتدا بر یک دستگاه نظری خاص و با پرهیز از اغراق و تقلیل‌گرایی، در تلاش است با بهره‌گیری از نظریه آشوب، تأثیر بحران کرونا بر الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران را بررسی کند.

۲. چارچوب نظری پژوهش

پرسش از چیستی بحران، نقطه آغاز نظریه آشوب جرد دایموند است. دایموند، الگوی نظری خود را در کتاب «آشوب؛ نقاط عطف برای کشورهای بحران‌زده» شرح و گسترش داده است. او در این کتاب، ضمن تحلیل شرایط کشورها در مقابل بحران‌ها، به این پرسش پاسخ می‌دهد که «کدام کشورها می‌توانند از بحران‌هایشان با موفقیت عبور کنند و آینده‌ای بهتر بسازند؟».

دایموند، بحران را لحظهٔ سرنوشت‌ساز و نقطهٔ عطفی می‌داند که تفاوت میان اوضاع پیش و پس از آن لحظه، با تفاوت میان پیش و پس از بسیاری از لحظه‌های دیگر، به شدت متفاوت است. در مورد سه مؤلفهٔ میزان گذرا بودن آن لحظه، چگونگی متفاوت شدن آن در اوضاع تغییر یافته، و میزان نادر بودن آن نسبت به لحظه‌های دیگری که لازم است یک نقطهٔ عطف را یک بحران و نه تنها یک رخداد کوچک و زودگذر دیگر یا یک دگرگونی طبیعی تدریجی از تغییرات بنامیم، اختلاف نظرهای جدی‌ای وجود دارد و توصیه این است که در سطح عمل سنجیده شوند. نقطهٔ عطف، نمایانگر وجود یک چالش است که سیاست‌گذاران را در تنگنا قرار می‌دهد تا روش‌های جدیدی را طراحی کنند، زیرا روش‌های پیشین، فاقد کارایی لازم برای رفع مشکلات هستند. حال اگر یک کشور بتواند روش‌های جدید و بهتر یا دست‌کم متفاوتی (نسبت به گذشته) را برای سازش با اوضاع جدید طراحی کند، آن‌گاه دیدگاه مسلط این است که بحران با موفقیت رفع شده است.

اما یک نقطهٔ عطف باید تا چه حد گذرا، چقدر عمده، و چقدر غیر معمول باشد که کاربرد اصطلاح «بحران» برای آن، قانع‌کننده باشد؟ پاسخ‌های گوناگونی برای این پرسش وجود دارد. در یک سوی طیف این پاسخ‌ها، پاسخ افراطی آن است که می‌گوید اصطلاح بحران، تنها منحصر به دوره‌های طولانی و آشوب‌های نادر و چشمگیر است. در سوی دیگر طیف، پاسخ این است که بحران‌ها می‌توانند به لحاظ زمانی، مقطعی، و تکرارشونده باشند. به این ترتیب، بحران‌ها را می‌توان برپایهٔ دفعات رخداد، طول مدت، و مقیاس‌های اثرگذاری، به شیوه‌های گوناگونی تعریف کرد. در این معنا با طیفی از بحران‌ها روبه‌رو هستیم که در یک سو، بحران‌های «بزرگِ نادر»، و در دیگر سو، بحران‌های «کوچکِ مکرر» قرار دارند، اما وجه اشتراک هر آنچه بحران می‌نامیم، درک ناگهانی یا اقدام ناگهانی در برابر فشارهایی است که در خلال تجربه آن اتفاق شکل گرفته‌اند (دایموند، ۱۳۹۸: ۲۳-۱۹).

دایموند با اشاره‌هایی به تجربهٔ شخصی، از بحران‌های فردی به بحران‌های ملی پُل می‌زند. به نظر او، سازوکارهای غلبه بر بحران و مشکلات افراد، از فرهنگ کشور و گروه‌های درون‌کشوری که افراد در آن رشد کرده‌اند و اکنون زندگی می‌کنند، جدا نیست و افراد در فرهنگ ملی خود با یکدیگر مشترک‌اند و تصمیم‌های ملی نیز

تا حدی به دیدگاه‌های افراد یک ملت بستگی دارد (دایموند، ۱۳۹۸: ۷۳-۷۰). به نظر او، بررسی بحران‌های فردی، به فراهم شدن یک نقشه راه (با عوامل دوازده‌گانه) برای آشنایی با پیامدهای متنوع این گونه بحران‌ها کمک می‌کند. همین عوامل، نقطه آغازین مفیدی برای طراحی نقشه‌ای با عوامل متناظر، برای آشنایی با پیامدهای متنوع بحران‌های ملی است. برخی از این عوامل موجود در بحران‌های فردی، کاملاً منطبق بر بحران‌های ملی و برخی دیگر، در حکم استعاره‌های مفیدی است که عوامل مرتبط با بحران‌های ملی را نشان می‌دهد. در جدول شماره (۱) به عوامل دوازده‌گانه اثرگذار بر فرایند رویارویی با بحران‌های فردی و دوازده عامل مرتبط با پیامدهای بحران‌های ملی متناظر بر آن (دایموند، ۱۳۹۸: ۷۷-۵۹) اشاره شده است.

جدول شماره (۱). عوامل مؤثر بر بحران‌های فردی و ملی

بحران‌های شخصی و عوامل مرتبط با پیامدهای آن	عوامل مرتبط با پیامدهای بحران‌های ملی
ادعان به قرار داشتن در بحران: اعتراف نکردن به بحران، مساوی با عدم پیشرفت	اجماع ملی و وحدت نظر گروه‌ها بر سر بحران‌بودگی یک مسئله
پذیرش مسئولیت شخصی: پذیرش، تغییر رفتار، و پرهیز از نقش قربانی	پذیرش مسئولیت ملی برای اقدام و پرهیز از متهم کردن دیگران
حصارسازی: شناسایی و تعیین حدود مشکل	تعیین حدود مشکلات ملی به‌منظور رفع آن‌ها از طریق تغییر برخی سیاست‌ها
کمک گرفتن از دیگران: بهره‌گیری از گروه‌های پشتیبان نهاده‌شده	دریافت کمک‌های مالی و مادی از کشورهای دیگر
توسل به افراد دیگر به‌عنوان الگو: بهره‌گیری برای کسب مهارت	توسل به کشورهای دیگر به‌عنوان الگویی برای برون‌رفت از بحران
استواری نفس: برخورداری از شناخت خویشتن و هدف پیش‌رو	هویت ملی: افتخار مشترک به شناسنامه منحصربه‌فرد یک ملت برای وحدت
خودسنجی صادقانه: ارزیابی دقیق و صادقانه نقاط قوت و ضعف خویشتن	خودسنجی ملی صادقانه به‌واسطه دانش دقیق به‌دور از خودفریبی
تجربه بحران‌های پیشین: اعتمادبه‌نفس برای غلبه پیرومندان بر بحران‌ها	انباشت ذهنیت جمعی از تجربه‌های تاریخی در بحران‌های ملی گذشته
صبر: توانایی تحمل ابهام‌ها و شکست‌ها در تلاش‌های ناکام نخستین	توجه به ناکامی ملی: صبر در ناکامی‌ها و آزمودن راه‌حل‌های گوناگون
انعطاف‌پذیری: تصلب کمتر مساوی تغییر‌گزینشی برای غلبه بر بحران	انعطاف‌پذیری ملی ویژه برای هر موقعیت: رد یا پذیرش شیوه‌های جدید
ارزش‌های کانونی: باورهای محوری و تغییرناپذیر هویت فرد	ارزش‌های اساسی، محوری، و حیثیتی ملی موردپذیرش اکثریت شهروندان
رهایی از قیدها: آزادی انتخاب ناشی از عدم تقید به مسئولیت‌ها	رهایی از قیدها و محدودیت‌های جغرافیایی و سیاسی برای آزادی انتخاب

به نظر دایموند، این عوامل دوازده‌گانه می‌توانند به اندازه‌ای تفصیلی باشند که بخش زیادی از واقعیت را تبیین کنند و درعین حال، به قدری گسترده نباشند که فهرستی بلندبالا از امور را دربر گیرند، اما برای شناخت دنیا، راهی پیش روی ما نگشایند (دایموند، ۱۳۹۸: ۳۵-۳۴).

عوامل دوازده‌گانه مورد اشاره دایموند، برپایه عمومیت سهم تأثیر متغیرهای شناسایی شده در هر «بحران»، از این ظرفیت برخوردار است که به بستر نظری مناسبی برای بررسی واقعیت‌های موجود در بحران‌های گوناگون کشورها تبدیل شود و شیوه رویارویی با این بحران‌ها و امکان‌های دگرگونی در الگوی حکمرانی کشورها را بررسی کند. گسترش ویروس کرونا در ایران نیز از این امر مستثنا نیست. دایموند، خود با الگوی دوازده‌عاملی‌اش، جنگ با شوروی در مورد فنلاند، کودتا در مورد شیلی، استقلال از استعمار و کودتا در مورد اندونزی، مشکلات زیست‌محیطی در مورد امریکا، و... را به بحث می‌گذارد و چگونگی رویارویی این دولت‌ها با بحران‌هایشان و تغییرات الگوهای حکمرانی در آن‌ها را بررسی می‌کند.

با توجه به پرسش از تغییر یا تداوم در الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی در رویارویی با بحران کرونا با استفاده از مؤلفه‌های دوازده‌گانه نظریه آشوب، روش به‌کارگرفته شده در این پژوهش، «توصیف پرمایه^۱» است. در روش توصیف پرمایه یا چندلایه، پژوهشگر لایه‌های فراوان معنا و ابعاد چندگانه یک واقعیت یا رویداد را با دقت شرح می‌دهد و از این چشم‌انداز، چنین توصیفی، نوعی تبیین است، زیرا تا زمانی که یک موضوع به گونه‌ای چندلایه توصیف شود، بی‌تردید به ارتباط متقابل، علی، و تأثیر و تأثرها نیز اشاره خواهد شد (محمدپور، ۱۳۹۷: ۴۵). مهم‌ترین تفاوت این نوع توصیف، با موارد توصیف عادی، این است که این گونه توصیف، تنها به ارائه گزارش وصفی بسنده نمی‌کند و تلاش می‌کند با افزودن بر عمق و دامنه اطلاعات تاریخی، اجتماعی، و سیاسی، به روابط احتمالی متغیرها و پدیده‌ها اشاره کند (گیرتز^۲، ۱۹۷۳: ۱۶).

در پژوهش حاضر نیز با کاربرست نظریه آشوب دایموند، گسترش ویروس

1. Thick Description
2. Geertz

کرونا به مثابه یک تکانه بیرونی در نظر گرفته می‌شود که بحرانی ملی را در ایران پدیدار کرده است. سپس با دقت در داده‌های تاریخی، اجتماعی، و سیاسی تأثیر عوامل دوازده گانه مورد نظر دایموند را در بحران کرونا توصیف و تبیین خواهیم کرد. در فرایند بررسی این دوازده عامل - که با مدیریت بحران کرونا در ایران و روش رویارویی دولت با گسترش آن ارتباط دارند - عوامل مفید و مزاحم و نقش آفرینی متفاوت آن‌ها در رفع یا حفظ بحران، معرفی و از این رهگذر، تداوم یا تغییر الگوهای حکمرانی در دولت جمهوری اسلامی ایران در قالب هریک از عوامل دوازده گانه و در پیوند با آن‌ها، تحلیل و بررسی می‌شوند.

۳. نگاهی به بحران کرونا در ایران و عوامل دوازده گانه مؤثر بر پیامدهای آن

گسترش ویروس کرونا را می‌توان نقطه عطفی به شمار آورد که در نتیجه آن، زیست روزمره مردم به دو دوره پیش و پس از رخداد آن تقسیم شده است. شیوع گسترده این ویروس در ایران همانند کشورهای دیگر جهان، به یک «بحران» تبدیل شده است و تمام ویژگی‌های یک بحران را در خود دارد. بحران کرونا در ایران به گونه‌ای است که *دیوید هاروی* از آن به عنوان یک استثنا یاد می‌کند. او بر این نظر است که کشورهای «از همه کمتر نئولیبرال»، مانند کره جنوبی، تایوان، چین، و سنگاپور نسبت به کشورهای اروپایی مانند ایتالیا، به گونه‌ای مناسب‌تر از همه‌گیری عبور کرده‌اند، اما ایران، این استدلال را به مثابه یک اصل جهانی نقض کرده است (هاروی، ۱۳۹۹: ۲۱). در ادامه، برای ارزیابی تأثیر بحران کرونا بر الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران از مؤلفه‌های دوازده گانه دایموند به شکل زیر استفاده کرده‌ایم.

۳-۱. اجماع ملی دیر هنگام بر سر بحران بودگی کرونا

دستیابی به اجماع ملی بر سر اینکه بحران کرونا در ایران رخ داده است یا نه، از یک سو، مستلزم پذیرش در ارکان گوناگون دولت جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر، نیازمند اتفاق نظر میان دولت و شهروندان است. در مورد بخش نخست باید گفت، در طول زمان، ساخت دوپاره قدرت متأثر از دو رکن جمهوریت و اسلامیت، سبب تولید شکاف‌هایی در ساختار قانونی و حقیقی دولت جمهوری اسلامی ایران و در پی آن، گروه‌های متعارضی در جریان سیاسی و اجتماعی شده

است. یکی از نتایج این شکاف ساختاری، «تودرتویی نهادی»، به معنای وجود مراکز متنوع و تودرتوی قدرت است. پیامد تودرتویی نهادی در طول چهار دهه گذشته، دور زدن قوانین، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری ضعیف، چندگانه بودن استانداردهای نظام اداری، و موازی‌کاری‌های شدید میان نهادهای گوناگون است؛ به گونه‌ای که در عرض نهادهای قانونی موجود، نهادهایی شکل گرفته‌اند که روند تصمیم‌گیری مشترک در مسائل را بسیار دشوار، کند، و غیرشفاف می‌کنند (دینی ترکمانی، ۱۳۹۹: ۵۴). چنین وضعیتی موجب می‌شود که در شرایط خاص نتوان تصمیم درست را به سرعت اتخاذ کرد. در بحران کرونا و در موضوع‌های گوناگونی مانند پیشنهاد مطرح شده برای قرنطینه شهر قم - نخستین شهر آلوده به ویروس کرونا در ایران و منشأ انتقال ویروس به سراسر کشور - به منظور محصورسازی جغرافیایی ویروس و همچنین، توقف پروازها به چین، به دلیل تودرتویی و تعارض‌های ناشی از آن، شاهد ناتوانی مراجع ذی‌ربط در تصمیم‌گیری بهنگام بودیم.

یکی دیگر از جلوه‌های تعارض در دولت جمهوری اسلامی ایران، عدم اجماع بر سر بحران‌بودگی برخی مسائل و انکار آن‌ها از سوی بعضی از ارکان دولت و محدودانگاری خطر آن‌ها است. در روزهای آغازین گسترش ویروس کرونا در کشور نیز این تعارض در ارکان دولت جمهوری اسلامی ایران، ابتدا در عدم تصمیم‌گیری یگانه در مورد نحوه واکنش مناسب و سپس، در چشم‌پوشی و انکار موضوع، و پس از آن نیز در برآورد خطر به گونه‌ای کمتر از واقعیت موجود، نمایان شد. در شرایطی که در فروردین ۱۳۹۹ رئیس کمیته اپیدمیولوژی ستاد ملی مقابله با کرونا اعلام کرد که ویروس کرونا از اوایل بهمن ۱۳۹۸ به گونه‌ای «خزنده و بی‌علامت» در ایران چرخش داشته است (تجارت نیوز، ۱۳۹۹/۰۱/۰۹)، تا روزهای پایانی بهمن، وزارت بهداشت، هرگونه خبری مبنی بر ورود ویروس کرونا به ایران را انکار می‌کرد (ایرنا، ۱۳۹۸/۱۱/۲۸). پس از تأخیر یک‌ماهه در اعلام ورود ویروس کرونا به کشور، راهکار دوم دولت جمهوری اسلامی ایران، کم‌اهمیت جلوه دادن خطر گسترش این ویروس و کوچک شمردن آن بود. ژنرال در کتاب خود به این موضوع اشاره کرده است: «یک روز پس از اینکه / ایرج حریرچی، معاون وزارت بهداشت ایران، در کنفرانس رسانه‌ای برای کوچک شمردن گسترش ویروس کرونا

ظاهر شد و گفت، قرنطینه همگانی ضرورت ندارد، در رسانه‌ها اعتراف کرد که به کرونا مبتلا شده است!» (ژیژک، ۱۳۹۹: ۳۶-۳۵).

در تاریخ ۱ اسفند ۱۳۹۸، یعنی یک روز پیش از برگزاری یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، محور گفتمان حاکم بر رسانه‌های رسمی دولت، از جمله صداوسیما، عادی نشان دادن شرایط کشور با محوریت حفظ آرامش عمومی و تظاهر به تحت کنترل بودن شرایط بود. توانایی، با بررسی گفتمان حاکم بر دو گروه روزنامه‌محافظه‌کار و اصلاح‌طلب در روزهای آغازین گسترش ویروس کرونا در کشور، تعارض میان آن‌ها و فقدان اجماع ملی بر سر بحران بودگی کرونا را نشان می‌دهد. در وضعیتی که گروه نخست، خطر بیماری کووید ۱۹ را به میزانی کمتر از آنفولانزا فروکاسته بودند و بحرانی جلوه دادن شرایط را ناشی از «ویروس سیاسی» برای «سیاه‌نمایی»، «دروغ‌پراکنی و شایعه‌سازی»، و «هراس‌افکنی به شیوه آمریکایی‌ها» ارزیابی کرده بودند، گروه دوم، در مورد لزوم آمادگی برای «بحران واقعی» هشدار داده بودند (توانایی، ۱۳۹۹: ۴۰۳-۳۹۰).

حق‌گو و سلیمانی نیز در پژوهش خود با تحلیل محتوای عملکرد سه خبرگزاری دولتی فارس، صداوسیما، و ایرنا - که هر یک نماینده بخش مهم و اثرگذاری از دولت جمهوری اسلامی هستند - نشان داده‌اند که این سه مجموعه، به دلیل مسائلی چون «تفاوت نگرش سیاسی» و متغیر مهم یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، «رفتار نسبتاً سلیقه‌ای» و متفاوتی را در رویارویی با بحران کرونا در پیش گرفته‌اند و راهبردها در قبال دستگاه اجرایی کشور نیز به ترتیب منتقد، بی‌طرف، و پشتیبان بوده است (حق‌گو و سلیمانی، ۱۳۹۹: ۹۳).

با گسترش بیشتر ویروس کرونا در کشور و آشکار شدن نشانه‌های بحران کرونا به عنوان یک واقعیت بیرونی انکارناپذیر و خطرناک، «ستاد ملی مقابله با کرونا» با تأخیر و پس از تعلل چندروزه، تشکیل و نخستین جلسه آن در تاریخ ۶ اسفند ۱۳۹۸ برگزار شد. شکل‌گیری این ستاد با هدف تصمیم‌گیری برای درپیش‌گیری سیاست‌های مناسب به منظور مقابله با ویروس کرونا، نخستین اقدام جدی دولت جمهوری اسلامی ایران برای هماهنگی بخش‌های متعارض و اجماع ملی در بحران کرونا بود. پس از آن نیز «طرح ملی بسیج مبارزه با کرونا» در ۱۵ اسفند

۱۳۹۸ با هدف «همکاری بین‌بخشی در کشور» آغاز شد. در پی این وضعیت جدید، راهبرد رسانه‌های دولتی در مورد روش انتشار اخبار کرونا نیز، با وجود تعارض‌های پیشین، «با تفاوت‌های معناداری» از راهبرد «منفعل (بحران‌گریزی)» به راهبرد «فعال (بحران‌پذیری)» تغییر جهت داد که این امر، نقش بسزایی در مدیریت افکار عمومی برای غلبه بر بحران کرونا ایفا کرد (حق‌گو و سلیمانی، ۱۳۹۹: ۹۲-۸۹). اما چکیده‌وار می‌توان گفت، ساخت دوپاره قدرت در دولت جمهوری اسلامی ایران، که پیامدهای فراوانی در شیوه حکمرانی آن مانند تودرتویی نهادی، تعارض در تصمیم‌گیری بهنگام میان ارکان گوناگون دولت، و اجماع دیرهنگام بر بحران‌های پیش‌آمده داشته است، در هنگامه گسترش ویروس کرونا نیز ادامه داشت و بحران کرونا نیز سبب ایجاد تحول در این زمینه نشد.

۲-۳. عدم مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه ملی برای اقدام لازم در بحران کرونا

دولت جمهوری اسلامی ایران در طول بحران کرونا، مسئولیت کامل خود را نپذیرفته و انگشت اتهام را در بروز مشکلات در شرایط بحرانی، به سوی دیگری، جز خود، گرفته است. در طول موج نخست گسترش ویروس کرونا، وزیر بهداشت، در واکنش به اوج‌گیری آمار مبتلایان و درگذشتگان ناشی از ویروس کرونا، مردم را به عدم همکاری با دولت و درک نکردن شرایط خاص کرونا متهم کرد (تابناک، ۱۳۹۸/۱۲/۲۲). با ادامه اوج‌گیری آمارها در کشور، نمایندگان مختلف دولت، بارها، به تحریم‌های امریکا علیه ایران در بحران کرونا اعتراض کردند و خواستار لغو آن‌ها در این شرایط خاص شدند. موضع آن‌ها این بود که «ویروس تحریم»، بر مهار ویروس کرونا در کشور اثر منفی داشته و توان ایران برای غلبه بر بحران کرونا را کاهش داده است (تسنیم، ۱۳۹۹/۰۱/۰۶). در ادامه بحران، برخی از چهره‌های مسئول در وزارت بهداشت، به آمارهای اعلامی چین در مورد قدرت کشندگی ویروس کرونا اعتراض کردند و اطلاعات نخستین کشور درگیر با ویروس جدید را دلیل عدم برنامه‌ریزی دقیق و منطبق با میزان واقعی خطر پیش‌آمده معرفی کردند (انصاف نیوز، ۹۹/۰۱/۱۷). با رکوردهای جدید آمار مبتلایان و درگذشتگان ناشی از موج دوم کرونا، انتقادهای مسئولان وزارت بهداشت دوباره از مردم آغاز و

ساده‌انگاری مردم و عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی، عامل گسترش دوباره ویروس در کشور معرفی شد (تسنیم، ۱۳۹۹/۰۵/۰۱).

دولت در شرایطی از شهروندان انتقاد می‌کند که زیست روزمره بسیاری از آنان در طول بحران کرونا برپایه پیام‌ها و تصمیم‌های دولت تنظیم شده است. داده‌های آماری ایسپا اثبات می‌کند که اگرچه اعتماد عمومی به نهادهای گوناگون دولت جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌های گذشته کاهش یافته است، برپایه نظرسنجی ملی ۲۲ تا ۲۵ اسفند ۱۳۹۸، در موج نخست گسترش ویروس کرونا در کشور، بیش از ۷۵ درصد جمعیت کشور، به توصیه‌های رسانه‌های رسمی و غیررسمی برای مقابله با کرونا عمل کرده‌اند (رفیعی بهابادی، ۱۳۹۹/۰۱/۰۴). با تکیه بر این‌گونه نتایج آماری می‌توان گفت، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار مردم در طول بحران کرونا، تکانه‌های متفاوتی بوده که دولت ایران به آن‌ها داده است. برپایه «تنظیم غلظت هراس»، هر زمان دولت، سیاست عادی‌سازی را درپیش گرفته است، مردم به روال عادی زندگی بازگشته‌اند و زمانی که دولت (با اوج‌گیری آمارها) به زبان هراس متوسل شده و با تزریق تهدید در گفتمان عمومی سعی در کنترل بیماری داشته است، اکثریت جامعه با آن همکاری کرده‌اند.

در اینجا لازم است این نکته را بررسی کنیم که تصمیم‌گیری شهروندان در مورد نوع رویارویی با بحران کرونا، برآمده از چه گزاره‌های بنیادینی بوده است. از ابتدا، اطلاع‌رسانی مراجع رسمی کشور، بر محدودیت درخور توجه مرگ و میر ناشی از ویروس کرونا متمرکز بوده است و این امر سبب شده است که امکان مخاطره محسوس برای شهروندان در حدی ناچیز تعریف شود. گزاره دوم که ماهیت بنیادی‌تری داشته است، مدیریت پذیر جلوه دادن این بحران با تداوم زیست روزمره بوده است؛ نکته‌ای که مدیران ارشد کشور از آغاز تا امروز بر آن تأکید کرده‌اند. درحالی‌که این دو گزاره که مبتنی بر راهبرد اطمینان دادن بیش‌ازحد به مردم است، برپایه ذهنیت نادرست مقامات دولتی درباره وحشت شهروندان از بیماری جدید و نگرانی از آثار آن است که خود، روش نادرستی در برقراری ارتباط با خطر همه‌گیری‌ها است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۹: ۱۳۸). در کنار این دو گزاره بنیادین می‌توان به «عفونت خبری»، «اینفودمی»، «همه‌گیری اخبار ساختگی»، و آشفتگی

سطح بالا در بازتاب رسانه‌ای بحران کرونا، به ویژه در فضای مجازی، نیز اشاره کرد؛ موضوعی که تنها به ایران اختصاص ندارد. طرح نظریه‌هایی چون «نظریه نسل کشی» در راستای کاهش جمعیت زمین توسط نخبگانی چون بیل گیتس، «نظریه سلاح زیستی» برای آغاز جنگ جهانی سوم، روایت‌های آخرالزمانی «پایان جهان» و شیوه‌های اعجاب‌انگیز درمان بیماران، تنها نمونه‌هایی از این آشفتگی رسانه‌ای هستند (کرکو و سیچرل، ۱۳۹۹: ۱۳۵). این حجم از رویارویی با پیام‌های رسانه‌ای بدون امکان راستی‌آزمایی، به تدریج، بی‌حسی در برابر اصل مسئله را در پی دارد. هر بحران فراگیری، ماهیت برانگیزاننده بودنش را مدیون مرز روشن خود با شرایط عادی است و چنانچه این ویژگی از یک بحران گرفته شود و در بحث این نوشتار، «روایت همه‌گیری» مخدوش شود، دیگر نمی‌توان آن را از روند عادی زندگی تفکیک کرد. در این شرایط، برخی واکنش‌های رسمی به بحران کرونا نیز شرایط را وخیم‌تر کرده است، زیرا به جای اینکه مردم را به عنوان بخشی از راه‌حل در نظر بگیرند، با پیروی از «گفتمان سرزنش‌گر»، آن‌ها را پاره‌ای از مشکلی به‌شمار می‌آورند که باید حل شود؛ این درحالی است که به‌عنوان نمونه، در انگلستان، از زمان همه‌گیری آنفلوآنزای خوکی در سال ۲۰۰۹ به‌این‌سو، «بسیج مردم به‌مثابه همکاران اصلی در مرحله واکنش»، یکی از مهم‌ترین روش‌های مقابله با هرگونه همه‌گیری‌ای بوده است (دیویس و دویناهم، ۱۳۹۹: ۷۴).

نباید فراموش کرد که در وضعیت بحرانی، مسئولیت حفظ جان شهروندان به‌عهده دولت است و دولت برای تحقق این مهم باید دست به هر اقدامی بزند.

لسان در پژوهش خود به این نکته اشاره کرده است که بیماری‌های واگیردار، در صورت شیوع عمومی، از مصداق‌های «بحران» به‌شمار می‌آیند و براساس ماده ۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور، انجام اقدامات و ارائه خدمات اضطراری در پی وقوع بحران با هدف نجات جان و مال انسان‌ها، تأمین رفاه نسبی برای آن‌ها، و جلوگیری از گسترش خسارت‌ها، از جمله وظایف دولت است (لسان، ۱۳۹۹: ۲۱۹). در بحران کرونا، دست‌کم دو ویژگی نخست موردتوجه دولت ایران، یعنی سرپیچی شهروندان از دستورات و پروتکل‌های بهداشتی و ناشناختگی ویروس کرونا، مشکل مشترک بسیاری از کشورهای جهان است که تلاش کرده‌اند با درپیش‌گیری

سیاست‌های تنبیهی و رفاهی به‌طور هم‌زمان و همچنین، اختصاص منابع مالی موردنیاز به مؤسسه‌های پژوهشی، این مشکلات را به‌گونه‌ای مسئولانه حل کنند.

دولت جمهوری اسلامی ایران در موج سوم گسترش ویروس کرونا در کشور، با وجود حفظ «گفتمان سرزنش‌گر» در برابر شهروندان و همچنین درپیش‌گیری راهبرد ایفای نقش قربانی در برابر تحریم‌ها، جدی‌تر از دو موج پیشین، در صحنه حاضر شد و با مجموعه اقدامات و تدابیری در حوزه اجرایی، در عمل، اقدامات مؤثرتری را برای کنترل گسترش این ویروس در دستورکار قرار داد. با تأکید رئیس‌جمهور بر «اولویت قطعی حراست از جان مردم»، «بسیج همگانی ملت و دولت برای مقابله با کرونا» اعلام و رویه‌ای متفاوت با موج نخست و دوم شیوع کرونا در کشور در پیش گرفته شد (ایرنا، ۱۳۹۹/۰۷/۲۵). در پی این فراخوان عمومی، اقدامات دولت ایران برای غلبه بر بحران کرونا همچون دورکاری و کاهش حضور کارکنان برپایه وضعیت مناطق قرمز، نارنجی و زرد، تعطیلی‌های مقطعی اصناف غیرضروری هم‌زمان با حمایت حداقلی و پرداخت بیمه بیکاری و یارانه معیشتی کرونا به آسیب‌پذیرترین اقشار، تعیین محدودیت‌های رفت و آمد شبانه، و برقراری نظام تنبیهی برای سرپیچی‌کنندگان از پروتکل‌های بهداشتی، آغاز شد. باین‌حال، در بحران کرونا نیز همانند گذشته، «سندرم تأخیر» و در نتیجه، «کندی حکمرانی»، به‌ویژه هنگام اتخاذ تصمیم‌های حیاتی در آغاز گسترش بحران کرونا در کشور در کنار تلاش برای جبران آن با مقصر دانستن دیگری، حاکی از این است که مانند بحران‌های پیشین، با پذیرش تمام مسئولیت ملی در یک بحران فراگیر، فاصله داریم. در واقع، بحران کرونا نیز سبب نشده است که الگوی رفتاری دولت جمهوری اسلامی در رویارویی با یک مسئله چالش‌برانگیز تغییر کند و همچنان، دولت به جای پذیرش مسئولیت پیامدهای ناشی از کندی حکمرانی و تأخیر در تصمیم‌گیری بهنگام، با نوعی مسئولیت‌گریزی، «دیگری» را محکوم می‌کند و نقش قربانی به‌خود می‌گیرد.

۳-۳. حصارسازی محدود برای تغییر گزینشی سیاست‌های ناکارآمد در بحران کرونا
در طول بحران کرونا، حصارسازی در ایران تنها به‌گونه‌ای محدود انجام شده است؛ به این معنا که تعداد انگشت‌شماری از سیاست‌های ناکارآمد گذشته، در «وضعیت

اضطراری ویروسی» دستخوش بازنگری و تغییر شده‌اند و بخش عمده سیاست‌های پیشین، به‌رغم ناکارآمدی در این بحران، همچنان دست‌نخورده باقی مانده‌اند. در بحران کرونا، سیاست تودرتویی نهادی تا حدی تعدیل شد و نهادهای دولت جمهوری اسلامی ایران، علیه دشمن مشترک بسیج شدند. درون دولت جمهوری اسلامی ایران، هماهنگی نسبی ایجاد، فرماندهی یگانه انتخاب، و در پی آن، وظایف هر بخش مشخص شد. قرار گرفتن نهاد تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار برپایه نظام کارشناسی و در بیان آزادارمکی، «محوریت بوروکراسی ایرانی» (آزادارمکی، ۱۳۹۹ الف: ۶۲) فراتر از شرایط قطبی‌شدگی سیاسی و ستیزهای مرجعیت‌ها و نیروهای سیاسی و اجتماعی در وضعیت ناشی از بحران کرونا، یکی از مهم‌ترین تغییرات ناشی از گزینش خط‌مشی جدید در کشور است. اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مبنی بر تشکیل «قرارگاه پیشگیری و مقابله با کرونا» در هماهنگی و همکاری با ستاد ملی مقابله با کرونا، در این زمینه شایسته توجه است (ایرنا، ۱۳۹۸/۱۲/۱۱). اگرچه طولی نکشید که این روند با مقاومت‌هایی همراه شد و نتیجه آن، بازگشت به رویه گذشته و بروز اختلاف جدی در نظام مدیریتی و سیاست‌گذاری دولت بود. نمونه‌ای از این اختلاف را می‌توان در متن استعفای رضا ملک‌زاده، معاون تحقیقات وزارت بهداشت، در اعتراض به مشکلاتی مانند «ادعاهای بی‌اساس در خصوص مؤثر بودن داروهای گیاهی» و «ادغام طب سنتی در نظام شبکه بهداشت و درمان کشور» مشاهده کرد (همشهری، ۱۳۹۹/۰۸/۳۰).

اما در مقابل این تغییرات محدود، همچنان بسیاری از سیاست‌های ملی در بحران کرونا، بی‌آنکه تأثیر مثبت آن‌ها در شرایط بحرانی مشخص باشد، بدون تغییر به قوت خود باقی مانده‌اند. به بیان روشن‌تر، بحران کرونا، سبب نشده است که سیاست‌گذاران در دولت جمهوری اسلامی ایران، در راستای جرح و تعدیل برخی سیاست‌ها یا پایان دادن به آن‌ها، در شرایطی که این کار برای پرهیز از فشار بر کشور ضروری است، اقدام کنند. عدم ارتقای پهنای باند اینترنت و استمرار فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی‌ای مانند تلگرام و توئیتر (در شرایطی که در بحران کرونا می‌توانست نیاز به «متصل‌بودگی» در حوزه ارتباطات شخصی و خانوادگی و «تله‌مدیسین»، و «ویزیت مجازی» در حوزه درمانی را برطرف و به پیشبرد سیاست

فاصله‌گذاری فیزیکی و قطع زنجیره بیماری کمک کند، عصای دست برخی از کسب‌وکارهای تعطیل شده در کنار کسب‌وکارهای برخط باشد، و امکان گردش اطلاعات و آموزش پروتکل‌های بهداشتی را هرچه گسترده‌تر فراهم کند، تنها یکی از سیاست‌های ملی‌ای است که در آن بازنگری نشده است.

سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در بحران کرونا در زمینه رویارویی با فعالان مدنی نیز تغییر محسوسی نکرده و تقابل با برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل، ادامه داشته است. در شرایط گسترش بحران کرونا، که جامعه بیش از هر چیز به حفظ و تقویت پیوندهای خود نیاز دارد - پیوندهایی که در بحران‌ها، نقش تسکین‌دهنده و حمایتی دارند - تا بتواند آسان‌تر بر مشکلات غلبه کند، این مهم در پی برخوردهای امنیتی دولت جمهوری اسلامی ایران، دچار آسیب شده است؛ به‌عنوان نمونه، بازداشت بنیانگذار نهاد مدنی، مستقل، و مؤثر جمعیت امداد دانشجویی امام علی (ع)، با موجی از انتقادات و اعتراض‌های جامعه مدنی ایران همراه شد (جمعیت امداد دانشجویی امام علی (ع)، ۱۳۹۹/۰۵/۰۶).

اعمال راهکارهای یکسان‌ساز و سیاست‌گذاری متمرکز، بی‌توجه به ماهیت و شرایط هر منطقه کشور، در بحران کرونا نیز همانند گذشته ادامه یافته است. گسترش کرونا و آثار گوناگون آن در هریک از استان‌های کشور متفاوت بوده و رویارویی با آن نیازمند برخوردی زمینه‌محور است.

رهنما و بازرگان، در پژوهش خود با تحلیل الگوهای مکانی-زمانی ویروس کرونا با استفاده از GIS، توزیع متفاوت جغرافیایی این همه‌گیری در کشور را نشان داده و به این نکته اشاره کرده‌اند که بیشترین توزیع جغرافیایی بیماران کرونایی در موج نخست کرونا، به واسطه «الگوی پخش فضایی سازش‌پذیر»، در نواحی شمالی و مرکزی کشور بوده است (رهنما و بازرگان، ۱۳۹۹: ۱۲۵-۱۲۴)، اما استان‌ها در بحران کرونا، امکان سیاست‌گذاری مستقل را نداشته‌اند؛ این درحالی است که استان‌هایی که با سرعت سرسام‌آور گسترش ویروس کرونا روبه‌رو هستند، باید بتوانند برپایه شرایط خاص خود، سیاست‌های گوناگونی مانند محدودیت‌ها و تعطیلی‌ها را اعمال کنند، اما هرگونه اقدام آن‌ها، تنها در صورت درخواست از ستاد ملی مقابله با کرونا و تأیید این ستاد، امکان اجرایی شدن دارد و اکنون دیگر حتی

آمار تفکیکی مبتلایان و درگذشتگان ناشی از ویروس کرونا در استان‌ها نیز اعلام نمی‌شود. از آن‌رو که صلاحیت اعلام هرگونه تعطیلی عمومی برای جلوگیری از گسترش ویروس کرونا، به‌عهده ستاد ملی است، تعارض میان ستاد ملی و تصمیم‌های مقامات استانی و محلی، قابل‌پیش‌بینی است (بازار، ۱۳۹۹/۰۱/۲۵). تصمیم‌گیری متمرکز برای قرنطینه در بحران کرونا، گاهی کار را به نقطه‌ای رساند که برخی از شهروندان، به‌گونه‌ای خودجوش، شروع به انجام کارهایی مانند بستن راه‌های ورودی شهرهای خود کردند (فاضلی، ۱۳۹۹: ۲۲).

صفرآهنگ در پژوهش خود، «تقدم مبانی هستی‌شناختی دولت بر سیاست‌های سلامت» و حفظ «جمعیت‌جامعه» به‌منابه عنصر بنیادین دولت را علت این ویژگی «تمرکزگرایی» در دولت جمهوری اسلامی ایران، حتی در بحران کرونا، می‌داند (صفرآهنگ، ۱۳۹۹: ۱۸۴).

همچنین، در بحران کرونا، شفافیت جریان اطلاعات آزاد در عرصه حکمرانی، محقق نشده است. با وجود اینکه وزارت بهداشت بارها اعلام کرده است که آمارهای قطعی را به مردم ارائه می‌کند، گسیختگی اطلاعات و تعارض جدی میان آمار نهادهای رسمی کشور وجود دارد (رکنا، ۱۳۹۹/۰۲/۰۲). ادامه همین روند سبب شد تا وزیر کشور در مورد «آمارسازی» و «مخفی‌کاری» در موضوع کرونا به فرمانداران هشدار دهد (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹/۰۸/۲۶). این هشدار به این سبب است که برخی از ارکان دولت جمهوری اسلامی ایران بر این گمان هستند که انتشار آمار فوت‌شدگان و مبتلایان، سبب هراس از هیمنه ویروس کرونا می‌شود؛ در نتیجه، تلاش می‌کنند تا از طریق محدود کردن دسترسی به این اطلاعات، مانع گسترش وحشت عمومی شوند. در واقع، «وحشت»، بهانه‌ای است تا دولت، وضعیت را به‌گونه‌ای شفاف، کامل، و به‌موقع به اطلاع شهروندان نرساند؛ اما این راهبرد، راهگشا نیست، زیرا تعارض آماری میان نهادهای رسمی و همچنین، ارقام موجود در فضای مجازی — که جایگزین ارقام رسمی شده و به آن استناد می‌شود — نه تنها هراس بیشتری را در پی دارد، بلکه به کاهش اعتماد عمومی می‌انجامد و سبب عدم اتخاذ راهکار مناسب برای غلبه بر بحران کرونا می‌شود. تجربه جهانی نیز نشان داده است که در زمان گسترش بیماری‌های همه‌گیر، راهبرد «تزریق رسانه‌ای» از راهبرد

جیره بندی اطلاعاتی (در بلندمدت) مؤثرتر است، زیرا برخلاف باور سیاست گذاران دولتی، «وحشت کردن»، مسری نیست و وحشت برخی افراد در یک برهه زمانی، به وحشت عمومی تبدیل نمی شود، اما در مقابل، این عدم ارائه اطلاعات کافی از سوی دولت است که نگرانی عمومی را تشدید می کند (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۹: ۱۳۱-۱۳۰).

به اذعان وزیر بهداشت، آنچه باعث شده است که برنامه های دولت ایران برای مهار بحران کرونا به نتیجه نرسد، مشکلات اقتصادی کشور و دوگانه انتخاب میان نان و جان مردم است که سبب شده است تا برای پیشبرد هم زمان هر دو، ناگزیر به سیاست های دیگری، از جمله بازگشایی کسب و کارها با تنظیم پروتکل های بهداشتی، تن دهند (ایرنا، ۱۳۹۹/۰۴/۱۸). اما در این شرایط - بدون غفلت از وضعیتی که تحریم های امریکا برای اقتصاد کشور رقم زده است - تغییر نظام اولویت بندی و هدف گذاری با اصلاح قانون بودجه و در یک کلام، تغییر بنیادین الگوی توزیع مخارج دستگاه اجرایی کشور به نفع مخارج لازم برای ماندگاری بیشتر مردم در خانه و بازگشایی دیرتر کسب و کارها می توانست راهگشا باشد، اما به سبب فرودستی سیاسی دستگاه اجرایی کشور در برابر نیروهای نامولد قدرتمند درون دولت جمهوری اسلامی ایران، این امر محقق نشده است.

به طور خلاصه، با اذعان به حصارسازی محدود دولت جمهوری اسلامی ایران در بحران کرونا و برخی بازنگری های محدود در بعضی از سیاست های پیشین، بسیاری از سیاست های گذشته - که جزئی از الگوی حکمرانی دولت هستند - مانند استمرار فیلترینگ فضای مجازی، برخورد با نهادهای مستقل جامعه مدنی، مدیریت متمرکز و اقتدارگرا، عدم جریان شفاف اطلاعات، و... - که همه آن ها ناشی از اولویت مسئله امنیت و ایدئولوژیک حاکم است - حتی در «وضعیت اضطراری ویروسی» نیز همچنان استمرار داشته است.

۴-۳. استقبال از کمک های مالی و مادی کشورهای دیگر در بحران کرونا

در بحران کرونا، اگرچه در عرصه نظر و سیاست های اعلامی، ادعاها مبتنی بر خودکفایی، خودایستایی، و بی نیازی از کشورهای دیگر ادامه داشته است، در عرصه عمل و

سیاست‌های اِعمالی، اوضاع به‌گونه‌ای دیگر است. به‌گفته‌ی وزیر بهداشت، ایران در جریان بحران کرونا «به‌جز دو گروه متخاصم، شامل امریکا و رژیم اشغالگر قدس، از هرکجای دنیا هر کمکی» به سوی کشور آمده، از آن استقبال کرده است. باوجوداین، دریافت کمک از نهادهای بین‌المللی و کشورهای خارجی در بحران کرونا با تعارض‌هایی همراه بوده است. دراین‌راستا، می‌توان به سفر سازمان پزشکان بدون‌مرز اشاره کرد که با وجود مکاتبات انجام‌شده‌ی وزارت بهداشت، در پی شکل‌گیری موجی از اعتراض‌ها، از ایران به فرانسه بازگردانده شدند (آفتاب، ۱۳۹۹/۰۱/۰۵). باوجوداین، دولت ایران از آغاز بحران کرونا تاکنون از کمک‌های مادی و مالی بیش از ۳۰ کشور و نهاد بین‌المللی بهره‌مند شده است (ایرنا، ۱۳۹۹/۰۱/۱۸). همچنین، دولت ایران پس از آنکه صندوق بین‌المللی پول، بودجه‌ای ۵۰ میلیارد دلاری را برای کمک‌رسانی به کشورهای آسیب‌دیده از گسترش ویروس کرونا اختصاص داد، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کشورهای درگیر این بحران، برای نخستین بار پس از ۵۰ سال، درخواست وام ۵ میلیارد دلاری خود را به این نهاد ارائه کرده است (اقتصادآنلاین، ۱۳۹۹/۰۲/۰۷). در طول چهار دهه‌ی گذشته، الگوی کنش دولت جمهوری اسلامی ایران در شرایط بحرانی، جذب کمک‌های خارجی با حفظ اولویت‌های امنیتی و ایدئولوژیکش بوده است که همین مسئله با تردیدها و بدبینی‌ها به «دیگری‌گری» همراه شده است. اگر بپذیریم که نامنی مزمن، موجب بدگمانی و بی‌اعتمادی می‌شود، همین‌الگو در بحران کرونا نیز استمرار یافته است؛ چنان‌که یکی از مصداق‌های آشکار آن را می‌توان در فرمان ممنوعیت خرید واکسن کرونا از کشورهای امریکا، انگلستان، و فرانسه، یا جذب کمک از این کشورها مشاهده کرد.

۳-۵. عدم‌الگوپردازی از تجربه‌های کشورهای دیگر برای برون‌رفت از بحران کرونا

در مورد الگوهای مبارزه با گسترش ویروس کرونا، نخستین‌الگویی که موفق هم‌ارزیابی می‌شود، الگوی توتالیتاریسم چینی مبتنی بر «حکمرانی تامه» است که در آن، با استفاده از قوه قهریه و ویژگی‌هایی مانند انسجام، قاطعیت، کنترل و بسیج منابع، و سرعت و دقت، راهبرد مشخص قرنطینه کردن میلیون‌ها نفر در مناطق آلوده به ویروس به‌منظور قطع زنجیره‌ی سرایت با استفاده از فناوری‌های جدید، تأمین

تجهیزات پزشکی و بهداشتی و لوازم معیشتی، در دستورکار قرار گرفت. الگوی کشورهای دیگر آسیای جنوب شرقی، مانند ژاپن و کره جنوبی، مبتنی بر «حکمرانی با دیسیپلین» است؛ این کشورها، با اعلام وضعیت جنگی، امکانات لجستیک و خدماتی ارتش و ویژگی‌هایی چون همزیستی و همکاری شهروندان، پایش گسترده و انجام آزمایش‌های فراوان کرونا، و تشخیص بیشترین شمار مبتلایان از میان افراد مشکوک به کرونا، توانستند از یک فاجعه ملی جلوگیری کنند. الگوی دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، الگوی تجربه‌شده در کشورهایی مانند آلمان و فرانسه مبتنی بر «حکمرانی دموکراتیک محافظه‌کارانه» است که با وجود تأخیر، تلاش کردند با به‌کارگیری مقررات سخت‌گیرانه، محدودیت‌ها و جریمه متخلفان، تا حدی گسترش ویروس کرونا را کنترل کنند. سرانجام، می‌توان از الگوی انگلستان و امریکا مبتنی بر «حکمرانی سردرگم» یاد کرد که در ابتدا، گسترش ویروس کرونا را بی‌اهمیت جلوه دادند و با سهل‌انگاری به آن بی‌توجه بودند و پس از آن، از شیوه «مصونیت گله‌ای» سخن گفتند، اما با اوج‌گیری آمار مبتلایان و درگذشتگان ناشی از ویروس کرونا، با سرمایه‌گذاری در بخش پژوهشی برای دستیابی به واکسن کرونا، برخی قوانین محدودکننده را وضع و با حمایت‌های مالی، شهروندان را به ماندن در خانه تشویق کردند (کسرای، ۱۳۹۹/۰۳/۲۴).

اگرچه برخی بر این نظرند که اتخاذ سیاست‌های آشفته و مبتنی بر آزمون و خطای دولت جمهوری اسلامی ایران در طول بحران کرونا، همانند بحران‌های پیشین، به الگوی «حکمرانی سردرگم» شباهت دارد، می‌توان گفت، در دوران بحران کرونا، ایران از تجربه‌های کشورهای گوناگون درگیر با همه‌گیری این ویروس، الگوبرداری نکرده است. سردرگمی دولت، به‌طور عام، و نظام مدیریتی، به‌طور خاص، در رویارویی با گسترش ویروس کرونا و فقدان راهبرد ملی برای کنترل آن، بیش از هر چیز متأثر از کشاکش دغدغه‌ها و اولویت‌بندی حوزه‌های متنوعی از تهدیدهای سلامت، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و امنیتی بوده است. سیاست‌های نامتقارن دولت ایران (به‌ویژه در ماه‌های نخست بحران کرونا) همچون اعلام عادی‌سازی زودهنگام شرایط توسط رئیس‌جمهور در اسفند ۱۳۹۸ و لغو آن، رهاسازی سفرهای نوروزی در ابتدا و سپس محدودسازی شدید آن با مقررات

سخت‌گیرانه آمدو شد بین شهری، تعطیلی کسب‌وکارها از هفته دوم فروردین ۱۳۹۹ و سپس کاهش آن و روی هم رفته، اقدامات مقطعی و عقب‌نشینی‌های پیاپی از سیاست‌های اعلام‌شده، نمونه‌هایی از کشاکش و نزاع میان دغدغه‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف تهدیدها بوده است (سجادی، ۱۳۹۹: ۲۰۲).

مسئله عدم الگوبرداری دولت جمهوری اسلامی ایران از کشورهای دیگر برای غلبه بر بحران کرونا، از جنبه‌های گوناگونی قابل بررسی است. در بحران کرونا، بارها گروه‌های مختلفی خواهان قرنطینه (مانند تجربه کشورهای دیگر) بودند. تنها در یک نمونه، مدیران عامل ادوار سازمان بیمه سلامت ایران در نامه‌ای به رئیس جمهور، با اشاره به «خطاهای برآوردی» در آغاز بحران کرونا در کشور، خواستار اتخاذ «راهبرد قرنطینه شهری» (همانند چین) به منظور محدودسازی آمدو شد عمومی شدند تا هم گسترش ویروس کرونا در کشور کنترل و هم «تاب‌آوری نظام ارائه خدمات برای استمرار خدمات» تضمین شود (ایرنا، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳). با وجود این، سیاست قرنطینه کامل شهرها هیچ‌گاه اجرایی نشد. *مالجو* بر این نظر است که چرایی این مسئله را باید در نوع توازن قوا میان جناح‌های قدرت درون دولت جمهوری اسلامی ایران، شرایط برآمده از تحریم اقتصادی بین‌المللی (خزانه خالی)، ناکارآمدی‌های سازمانی در بدنه تکنوکراتیک دستگاه اجرایی کشور، و سرانجام، عمق بحران‌های از پیش موجود ساختاری در جامعه ایران جست‌وجو کرد (مالجو، ۱۳۹۹: ۲۲۴).

بهره‌نگرفتن از الگوی کشورهای دیگر در بحران کرونا، و رای امکانات حکمرانی متفاوت و دلایل ساختاری و مادی، می‌تواند علت دیگری نیز داشته باشد. ایرانی‌ها در این احساس نیرومند غرور غوطه می‌خورند که ایران، دارای یکی از کهن‌ترین فرهنگ‌های جهان است (فولر، ۱۳۷۳: ۱۹). پیشینه و قدمت ایران به‌عنوان یک قدرت بزرگ، باشکوه، و توانمند با تاریخ و تمدنی کهن، موجب شکل‌گیری «روح خودبترتیبی ایرانی» و این ذهنیت در میان رهبران و گاه مردم می‌شود که ایران خود باید برپایه شرایط خاصش، طرح نوینی درافکند و راه متمایزی را درپیش گیرد. این تلقی و تصور از خود، برپایه حاکمیت سایه گذشته بر ذهنیت تاریخی ایرانیان، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تشدید و در عرصه‌های گوناگون

سبب شده است که ایران، راه متمایزی را در پیش گیرد و با نوعی کناره‌گیری و تافته‌جدابافته‌انگاری، در پی جایگزین‌ها باشد. شیوه رفتاری دولت جمهوری اسلامی ایران در بحران کرونا، تا حد زیادی تأییدگر همین آرزوی دیرینه است.

برخی پژوهشگران، نه تنها رویکرد متمایز دولت ایران در بحران کرونا را برجسته کرده‌اند، بلکه ورای «ایده سوسیالیستی شرق» و «اندیشه شرارت غرب» آن را ستوده‌اند (منصوری، ۱۳۹۹: ۲۶۳). دقت در گفته‌ها و نوشته‌های مسئولان دولتی ذی‌ربط در طول بحران کرونا نیز این واقعیت را نمایان می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، وزیر بهداشت در واکنش به یادداشت مسعود نیلی - که در آن از «حرکت به سمت عادی‌سازی» ستاد ملی مقابله با کرونا در وضعیت قرمز کرونایی در برخی از استان‌ها انتقاد کرده بود - نوشت: «الگوی مدیریت ما در بیماری کرونا منحصر به ایران است». نمکی در پاسخ به این اقتصاددان، اشاره کرده است که مقابله با کرونا در کشور، مبتنی بر روش علمی و منطبق با اصول منطقی مبارزه با بیماری‌های واگیر و طرح «فاصله‌گذاری هوشمند» نیز با توجه به تنگناهای اقتصادی کشور است (ایرنا، ۱۳۹۹/۰۱/۲۸). اگرچه وزیر بهداشت در این نامه به تنگناهای مادی اشاره می‌کند، قائل به اتخاذ رویکردی مختص ایران برپایه شرایط کشور است. وی در جای دیگری مدعی شده است که طرح «هر خانه یک پایگاه سلامت» در کشور، نه تنها فصل‌نویسی در نظام سلامت ایران است، بلکه «یک الگوی موفق جهانی» است که سال آینده توسط سازمان بهداشت جهانی «به‌عنوان یک اقدام موفق به دنیا معرفی خواهد شد» (ایرنا، ۱۳۹۹/۰۳/۱۲). به بیان روشن‌تر، تصور برتری طلبی ایران، خاص بودگی، بی‌توجهی به مناسبات حاکم بر نظام بین‌المللی، و تلاش برای درافکندن طرحی نو در عرصه‌های گوناگون، از جمله ویژگی‌های الگوی حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران در طول چهار دهه گذشته بوده است که نمود آن در به‌چالش کشیدن نظم بین‌الملل، اقتصاد اسلامی، و... آشکار است. همین ویژگی الگوی حکمرانی، در بحران کرونا و روش مدیریت این همه‌گیری در کشور نیز استمرار پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که می‌توان نمونه‌های آن را در موضوع‌هایی مانند اصرار بر تولید واکسن داخلی کرونا مشاهده کرد.

۶-۳. نقش آفرینی مثبت هویت ملی در بحران کرونا

اگرچه در گذر زمان، آنچه «ما»ی ایرانی یا هویت مشترک ایرانی را شکل داده است، همیشه یکسان نبوده، برخی از آن‌ها، همیشه نقش مهمی داشته‌اند؛ زبان فارسی که زبان مشترک و حامل ادب و فرهنگ ایران است، اسلام شیعی که مذهب اکثریت ایرانیان است، و سرانجام، قلمروی که اگرچه مرزهای آن با توجه به دولتی که بر آن حکم رانده، در طول زمان قبض و بسط یافته است، اما دست کم به‌عنوان یک منطقه فرهنگی، موجودیت مشخصی داشته است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۹). تنها توجه به عنصر زبان فارسی و ادبیات فریه تولیدی حاصل از آن شاید برای قوام هویت ملی و عمل مای ایرانی در غلبه بر هراس از بحران‌ها کافی باشد. در دریای بیکران ادب فارسی نیز تنها کافی است که بر قلمرو شعر تمرکز کرد و در آن هم تنها قله ای چون فردوسی را پیش چشم آورد. فردوسی، در خلق حماسه‌های خود، به‌پشتوانه ثنویت، دوگانه خیر و شر را در برابر هم قرار می‌دهد و پیروزی خیر در این نبرد کیهانی را مشروط به یاری انسان - که جان جهان است - می‌داند. انسان آرمانی او نیز پهلوانی است که به منش و آیین جوانمردی و اراده و شهامت آراسته است، پلیدی را فرامی‌خواند و حاضر است در برابر آن با شهامت، مرگ را هم به آغوش بکشد، زیرا پذیرش مرگ، یعنی فراتر رفتن از آن (شایگان، ۱۳۹۳: ۲۷). در واقع، ادبیات ایران، بندهای هویت ایرانی را محکم می‌کند و با یادآوری لزوم صف‌آرایی در برابر دیگری پلید که در هر زمان جلوه‌ای دارد، سبب وحدت می‌شود. اگر ادبیات حماسی و سیاسی را ابزاری برای متقاعدسازی بدانیم، ادبیات ایران، منبع گسترده‌ای در این مسیر به‌شمار می‌آید که می‌تواند در ترغیب مردم برای کمک به عبور از بحران‌ها، از جمله بحران کرونا، کمک‌کننده باشد. برخی دیگر نیز در «آخرالزمان کرونایی»، از «خیزش اسطوره‌ها» سخن گفته‌اند و بر این نظرند که «اسطوره‌درمانی» با رسیدن به مکتب «مزدیسنا» و بازخوانی متون پهلوی بازمانده از عهد ساسانی در مقابله با بحران کرونا در ایران می‌تواند راهگشا باشد (ناصرمقدسی، ۱۳۹۹: ۴۵-۸۱).

یکی دیگر از منابع مشترک هویتی ایرانیان، سنت دیرپای آنان است. سنت ایرانی برای ایرانیان، میراث گرانبهایی است که در بزنگاه‌های گوناگون تاریخی به کمک آن‌ها آمده است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های میراث سنت در ایران، جوانمردی است که صورت بندی پرآوازه آن را می‌توان در سخن شیخ اجل: «بنی آدم اعضای

یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند/ چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر
 عضوها را نماند قرار» ملاحظه کرد (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۵۲). چنین سنت‌هایی، به ویژه
 در بیماری واگیردار کووید ۱۹، به خوبی می‌تواند راهگشای گذر از بحران پیش‌آمده
 باشد، زیرا پیوند زندگی افراد به یکدیگر به مثابه یک کل یگانه را نشان می‌دهد و
 تأکید دارد که سلامت هر فرد در گرو سلامت دیگری است. همین سنت‌ها و
 احساس مای مشترک است که در بحران کرونا سبب شده است تا گروه‌های مردمی
 به گونه‌ای داوطلبانه در فرایندهای گوناگون غلبه بر گسترش ویروس کرونا - حضور
 داوطلبانه در مراکز درمانی، تهیه اقلام غذایی و بهداشتی برای اقشار فرودست، تهیه
 تجهیزات پزشکی برای تجهیز نیروهای درمان، حساس‌سازی جامعه و آگاهی‌بخشی
 به قشرهای گوناگون - مشارکت کنند؛ همان‌گونه که در مشکلات گذشته مانند
 بلایای طبیعی سیل و زلزله نیز چنین کرده‌اند. چکیده‌وار می‌توان گفت، منابع هویتی
 فراوان ایرانیان، از زبان فارسی و جلوه‌های متعدد آن گرفته تا آموزه‌های اسلام
 شیعی و سنت‌های دیرپای جامعه ایرانی، به مثابه جعبه‌ابزاری هستند که جامعه را در
 رویارویی با بحران، تجهیز و استمرار حکمرانی را امکان‌پذیر می‌کنند.

۷-۳. خودسنجی ملی صادقانه نه چندان دقیق در بحران کرونا

یکی از راه‌هایی که می‌توان به این نکته پی برد که دولت جمهوری اسلامی ایران در
 بحران کرونا به خودسنجی ملی صادقانه دست یافته است یا خیر، ارزیابی سخنان
 مسئولان و مدیران عالی‌رتبه آن در رویارویی با بحران کرونا است. در شرایطی که ایران
 همچنان با موج سوم کرونا درگیر و به لحاظ نسبت میزان مرگ‌ومیر روزانه به نسبت
 میزان مبتلایان روزانه - به گزارش سازمان جهانی بهداشت - جزء ده کشور نخست دنیا
 است (دبلیواچ^۱، ۲۰۲۱/۰۱/۰۸)، وزیر بهداشت اعلام کرده است: «امروز دنیا شیوه
 ایران در مبارزه با کرونا را به‌عنوان یک الگوی موفق موردستناد قرار می‌دهد» (ایرنا،
 ۱۳۹۹/۰۳/۱۰). وی در روزهای پس‌از آن نیز مدعی شد که «در مبارزه با کرونا ۵۰ به
 یک از اروپا و امریکا جلوتریم» و همچنین، «برخی از کشورها پروتکل‌های بهداشتی
 کرونا را پس از ما نوشته و حتی کپی کردند» (همشهری، ۱۳۹۹/۱۰/۱۵).

1. WHO

یکی دیگر از آسیب‌های ذهنیت خاص‌پندار ایرانیان به‌سبب غرور ناشی از افتخارات تاریخی، خودبزرگ‌بینی و عدم‌ارزیابی دقیق واقعیت‌ها است که مانع تصمیم‌گیری و عمل منطبق بر نقاط قوت و ضعف و واقعیت‌های موجود می‌شود. خودسنجی ملی صادقانه به دانش و رویارویی دردناک با واقعیت‌ها نیاز دارد که در هر دو مورد، دولت جمهوری اسلامی ایران در بحران کرونا، عملکرد چندان مناسبی نداشته است. در موضوع نخست، دولت ایران در بخش پایش و رصد نظام حکمرانی، ناکارآمد بوده و این به‌معنای ضعف نظام‌های اطلاعاتی و دانش موجود در این زمینه است. در بحران کرونا، سنجش پیوسته و دقیق وضعیت جامعه با شاخص‌های گوناگون در راستای سیاست‌گذاری کارآمد، اهمیت زیادی داشت. عدم شناخت مناسب و دقیق وضعیت، سبب تصمیم‌گیری‌های نادرست می‌شود و می‌تواند هزینه‌های گزافی را بر کشور تحمیل کند (فتاحی، ۱۳۹۹: ۲۴۱). دولت در ایران، نه تنها از آغاز ورود ویروس کرونا به کشور از میزان گسترش آن در نقاط گوناگون آگاهی کافی نداشت، بلکه در ادامه هنگامی که استان‌های مختلف، موج دوم گسترش این ویروس را تجربه می‌کردند، مقامات عالی‌رتبه، ورود به موج دوم را از اساس انکار می‌کردند (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹/۰۳/۲۵).

لازمه رویارویی با واقعیت‌ها، خروج سیاست‌گذاران از زیست‌جهان ایدئولوژیک است. تا زمانی که کنش دولت جمهوری اسلامی، نه بر مبنای واقعیت‌های مطلق، بلکه مبتنی بر مصلحت‌ها و مقتضیات ایدئولوژیک باشد، نمی‌توان راهی برای برون‌رفت از بحران کرونا گشود. ادعای آمادگی دولت ایران برای کمک به مردم آمریکا در فرایند گسترش ویروس کرونا در این کشور، در پاسخ به پیشنهاد مشابه از سوی دولت آمریکا، در همین راستا قابل تحلیل است (ایرنا، ۱۳۹۹/۰۲/۰۴). پیشنهاد ایران برای کمک به آمریکا به منظور غلبه بر گسترش ویروس کرونا، در شرایطی مطرح شد که تنها در یک شاخص مهم در مورد این موضوع، یعنی میزان آزمایش‌های انجام‌شده برای شناسایی افراد مبتلا، ایران وضعیت به‌مراتب بدتری از این کشور دارد. آمارهای جهانی تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۲، مقایسه میزان آزمایش‌های انجام‌شده ایران و آمریکا، عدد ۱۱۰۷۳۰۵۶۲ - بیش از یک سوم جمعیت آمریکا - را در برابر عدد ۴۱۲۳۱۷۳ - حدود یک بیستم جمعیت ایران - نشان می‌دهد (ورد مترز یا

آمار به روز جهان^۱، ۱۳۹۹/۰۱/۲۲). تنها همین شاخص، نشان دهنده سطح زیرساختی متفاوت دو کشور و تخصیص منابع مالی متفاوت در موضوع مقابله با گسترش ویروس کرونا است. وزیر بهداشت در گزارشی، هزینه کرد امریکا در بخش بهداشت و درمان را برای مقابله با کرونا ۱۱۴ میلیارد دلار و در ایران یک میلیارد یورو اعلام کرد و افزود، از این رقم نیز تنها حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد آن محقق شده است (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۹/۰۳/۱۲). پذیرش واقعیت‌های موجود و اقدام برپایه آن در هر بحرانی، از جمله بحران کرونا، نیازمند پرداخت هزینه‌های نامشخص و فزاینده‌ای است که هنوز دولت جمهوری اسلامی ایران حاضر به پرداخت آن نشده است. تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دولت برپایه مصلحت‌های ایدئولوژیک به جای پذیرش واقعیت‌های موجود، یکی از مؤلفه‌های حکمرانی دولت پسانقلابی ایران است که همواره، از جمله در طول بحران کرونا، نیز استمرار یافته است.

۸-۳. نقش آفرینی دوگانه تجربه تاریخی بحران‌های ملی گذشته در بحران کرونا

بحران کرونا در دولت جمهوری اسلامی ایران، به دشواری با بحران‌های گذشته در تاریخ این دولت، قابل مقایسه است؛ باین حال، تجربه‌های به دست آمده از مشکلات گذشته تاریخ ایران، می‌تواند در گذار از بحران فعلی، راهگشا یا زیانبار باشد. مهم‌ترین بحرانی که در تاریخ دولت جمهوری اسلامی ایران می‌توان از آن یاد کرد، جنگ هشت ساله است؛ بحرانی که نه تنها سبب شهادت جمعیت فراوانی شد، ویرانی‌ها و مشکلات اقتصادی بسیاری را نیز در پی داشت، اما جنگ هشت ساله، تنها دفاع از تمامیت ارضی کشور در طول تاریخ کهن ایران است که طی آن، حتی ذره‌ای از خاک کشور از دست نرفت. خاطره دوام آوردن در بحران هشت ساله جنگ، می‌تواند برای گذار ایرانیان از بحران کرونا راهگشا باشد. شاید به همین دلیل نیز در بحران کرونا، دولت ایران همانند بحران‌های دیگر رخ داده در گذشته، می‌کوشد تا با بهره‌گیری از ادبیات جنگی‌ای مانند توصیف نیروهای درمانگر به مثابه افراد حاضر در «خط مقدم مبارزه با کرونا»، «مدافعان سلامت»، «شهید سلامت»، یا شعار «کرونا را شکست می‌دهیم»، آن خاطر جمعی افتخارآمیز را برای یادآوری

توانایی گذار از بحران کنونی، از پس تاریخ غبارگرفته، بازآفرینی کند؛ اگرچه بهره‌گیری از استعاره جنگ و مبارزه در کشورهای گوناگون، استعاره‌ای رایج برای توصیف نبرد با بیماری‌ها است (کپ، ۱۳۹۸: ۵۷).

در مقابل، در انباشت ذهنیت جمعی ایرانیان، بحران‌های دیگری در تاریخ کشور وجود دارد (بحران‌هایی با پیشینه فراتر از تاریخ جمهوری اسلامی ایران) که یادآوری آن با اندک نشانه‌هایی در عصر حاضر، بسیار ناگوار است. بحران وبا در ایران عهد قاجار به‌عنوان یک بیماری واگیردار، یکی از این نمونه‌ها است. دولت قاجار در سرایت، گسترش، و پیامدهای وبا، مسئولیت مستقیمی داشت؛ به‌گونه‌ای که هنگام ظهور «مرض موت»، دولت با پنهان کردن حقیقت، مردم را در میان مهلکه رها کرد و کارگزاران از بیم مسدود شدن راه‌ها، خبر ناخوشی را به سرزمین‌های دیگر اعلام نکردند. همچنین، دولت با ایجاد «قرانتین» که مستلزم گردآوری آذوقه، غلات، و هزینه‌های گوناگون بود، مخالفت ورزید (ناطق، ۱۳۸۹: ۲۹۷).

این دو گزارش، نمونه‌هایی از موفقیت و شکست نهاد دولت در ایران در بحران‌های پیش آمده، تنها در حدود یکصد سال گذشته است. تاریخ ایران، سرشار از شکست‌ها و پیروزی‌ها در بحران‌های گوناگون است. تجربه بحران وبا در ایران قرن نوزدهم، تجربه‌ای تلخ از «نظاره‌گری صبورانه» دولت و تشدید بحران است که می‌تواند موجب بی‌اعتمادی به پیروزی‌های دولت در بحران شود و تجربه بحران جنگ هشت‌ساله، تجربه همدلی مردم و دولت، ایثار، و غلبه بر مشکلات است. اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران بتواند در جدال روایت‌های تاریخی، کدام روایت را در عرصه عمومی، حاکم کند و به خدمت بگیرد، نقش بسزایی در عبور یا ماندگاری در بحران خواهد داشت. دولت جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند تا با تبلیغات رسانه‌ای، تا حد زیادی خاطره ارزشمند عبور از بحران هشت سال جنگ را در دل بحران کرونا بازآفرینی کند. این راهبرد در بحران‌های دیگر در طول سال‌های گذشته نیز دنبال شده است و این امکان را برای دولت فراهم می‌کند که با حفظ الگوهای حکمرانی خود، در بحران کرونا نیز مسیر گذشته‌اش را ادامه دهد.

۹-۳. تأثیر احساس ناکامی ملی بر بحران کرونا

زیست تاریخی ایرانی همواره پرحادثه، مخاطره‌آمیز، ناامن، ناپایدار، بی‌نظم، و پر آشوب بوده است و این واقعیت جزء متواترات تاریخ ایران است (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۲۴). این زیست تاریخی پرفرازونشیب، ملامال از بیم و امید، سرشار از گسست‌ها و پیوست‌ها و انباشته از شکست‌ها و پیروزی‌ها در بحران‌های طبیعی و انسانی است؛ در نتیجه، چندان دور از ذهن نیست که ایرانیان در پس این «تاریخ بی‌قرار» آبدیده شده باشند، تاب‌آوری‌شان ارتقا یافته باشد، و در یک کلام، به زیست در «جامعه خطر» یا «جامعه ریسکی» خو گرفته باشند. چنان که کنش متفاوت ایرانی‌ها در بحران کرونا در مقایسه با کنش مردمان کشورهای دیگر قابل توجه است. اما نباید از این مقدمه، نتیجه‌ای شتاب‌زده گرفت، مبنی بر اینکه شکست‌های پیاپی و ناکامی سلسله‌وار در بحران کرونا، بار دیگر به مدت طولانی تحمل خواهد شد، تازمانی که با تجربه‌های گران و آزمون‌هایی با هزینه گزاف، راه‌هایی از این بحران گشوده شود. در این زمینه توجه به برهه‌ای که کرونا بر ایرانیان عارض شد، می‌تواند ما را به تحلیل واقع‌بینانه‌تری رهنمون کند.

ویروس کرونا در شرایطی مرزهای ایران را درنوردید که کشور در حوزه‌های گوناگون با مشکلات بسیاری دست‌وپنجه نرم می‌کرد. دوچندان شدن پیامدهای منفی روانی، اجتماعی، سیاسی، و مهم‌تر از همه این‌ها، مشکلات اقتصادی ناشی از بحران کرونا بر انبوهی از مشکلات حل‌نشده پیشین، لبریز شدن صبر عمومی و به‌ستوه آمدن مردم را محتمل می‌کند. بی‌تردید، چنین احتمالی بر نحوه تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران اثرگذار است. اظهارنظر رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه اگر کسب‌وکارها بازگشایی نمی‌شد، باید منتظر به‌خیابان آمدن گرسنگان و فقرا می‌بودیم، در همین راستا قابل تحلیل است (عصر ایران، ۱۳۹۹/۰۴/۲۱). سجادی برپایه داده‌های پژوهش خود که مبتنی بر مصاحبه با خبرنگاران و کارشناسان است، بر این نظر است که دولت ایران با وجود خطر بالقوه امنیتی بحران کرونا به عنوان مهم‌ترین تهدید این بحران، توانسته است با مجموعه اقداماتی از بحران کرونا امنیت‌زدایی کند؛ به این معنا که در راستای پرهیز از هر وضعیت حادی که موجب بروز رفتارهای اعتراضی شود، گام برداشته و این مهم در رأس برنامه‌های مدیریت بحران کرونا قرار گرفته است

(سجادی، ۱۳۹۹: ۲۱۲-۲۱۱). در این معنا، ملاک عمل دولت جمهوری اسلامی ایران در بحران کرونا، همانند بحران‌های پیشین، مسئله امنیت بوده است. در واقع، احساس ناکامی و ناامیدی عمومی از چالش‌ها و بحران‌های حل‌نشده پیش از بحران کرونا، سبب شده است که دولت جمهوری اسلامی ایران به سبب هراس از اعتراض‌های اجتماعی فراگیر ناشی از انباشت مشکلات، در بحران جدید نیز همانند بحران‌های گذشته، شیوه حکمرانی خود را نه تنها بر پایه مؤلفه‌هایی چون رفاه شهروندان تغییر ندهد، بلکه باز هم به سیاق دهه‌های پیشین، بحران کرونا را نیز با اولویت مسئله امنیت مدیریت کند.

۱۰-۳. انعطاف‌ناپذیری ملی همه‌جانبه در بحران کرونا

در بحران کرونا و در «وضعیت اضطراری و ویروسی»، دولت ایران، در پاره‌ای از موارد، مسیر متفاوتی را نسبت به گذشته خود به‌آزمون گذاشته است؛ برای نمونه، می‌توان به تصمیم‌گیری مبنی بر تعطیلی مراکز مذهبی و ایجاد محدودیت در برگزاری مراسم دینی اشاره کرد که با توجه به برخی انتقادات و مخالفت‌ها با نظر به زیست «شیعه مناسک‌گرا»، در ایران امروز کم‌سابقه است. اینکه ستاد ملی مقابله با کرونا در طول بحران کرونا توانسته است ابتکار عمل در موضوع مراکز و فعالیت‌های مذهبی را به دست گیرد — مراکزی که تا پیش‌ازاین مستقل عمل می‌کردند و تابع سیاست‌ها و دستورالعمل‌های دولت نبودند، اما حال بازگشایی یا فعالیت آن‌ها تابع نظر این ستاد است — یکی از نشانه‌های آشکار انعطاف‌پذیری دولت جمهوری اسلامی ایران در بحران کروناست.

همچنین، فشار اقتصادی ناشی از بحران کرونا سبب شده است تا دولت ایران در حوزه اقتصادی نیز وادار به انعطاف‌پذیری شود. تعلیق «حق خرید و فروش سهام عدالت» پس از ۱۳ سال مناقشه و واگذاری ۸۰ درصد سهام بخش دولتی به بخش خصوصی پس از ۱۶ سال در بورس، نمونه‌هایی از انعطاف‌پذیری دولت در حیطة اقتصاد برای جبران کسری مالی ناشی از بحران کرونا است. محسن رنانی از این روش‌های به‌آزمون‌گذاشته‌شده جدید برای موضوع‌های قدیمی بر اثر بحران کرونا، در قالب عنوان «تعلیق حکومت تعلیق» یاد می‌کند. او بر این نظر است که «واقعه

بزنگاهی» کرونا، دولت ایران را از «وضعیت تعلیق» یا به عبارتی، سکوت و نادیده انگاشتن یک معضل و چالش، عدم تصمیم گیری در مورد آن، و واگذار کردن حل آن به مرور زمان، خارج کرده است و این امر به تدریج دولت را به نقطه تصمیم و انتخاب، هدایت می کند (رنانی، ۱۳۹۹/۰۲/۲۷). با این حال، دولت جمهوری اسلامی ایران هنوز حاضر نشده است برای غلبه بر بحران کرونا، در موضوع های مهم دیگری از خود انعطاف نشان دهد. مذاکره دوباره با امریکا برای لغو تحریم های اقتصادی و تسهیل واردات دارو و مواد غذایی، واردات واکسن از امریکا و انگلستان برای ایمن سازی نیروهای درمان گر و گروه های پرخطر جمعیتی در برابر ویروس کرونا، تصویب FATF در راستای تسهیل فعالیت های بین المللی بانکی و مالی، و برخورد با فعالان مدنی و دانشجویی برای کمک به همگرایی جامعه، تنها نمونه هایی از موضوع هایی هستند که امروز کشور با آن درگیر است و دولت جمهوری اسلامی ایران برای تغییر نسبت گذشته، انعطافی در برابر آن ها از خود نشان نداده است. انعطاف ناپذیری دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر تغییر سیاست هایی که در طول زمان بر عملیاتی کردن آن ها — با وجود تمام هزینه هایشان — اصرار ورزیده است، حاکی از این است که شیوه های حکمرانی آن در بحران کرونا، حتی با وجود برخی تعلیق های مقطعی، به سبب شرایط اضطرار، ادامه پیدا کرده است. کما اینکه به عنوان نمونه، پس از گذشت چند ماه از گسترش ویروس کرونا در کشور، شاهد عدم مقاومت دستگاه اجرایی کشور در برابر نیروهای متنفذ مذهبی و از سرگیری برگزاری مناسک مذهبی در روزهای ماه محرم بودیم. استمرار مناسک گرایی و حفظ اولویت های امنیتی و ایدئولوژیک در طول دوره شیوع گسترده ویروس کرونا در کشور، تنها نمونه هایی از تداوم الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران در بحران کرونا هستند.

۱۱-۳. نقش آفرینی دوگانه ارزش های بنیادین ملی در بحران کرونا

ارزش های بنیادین ملی در رویارویی دولت جمهوری اسلامی ایران با بحران کرونا، کارکرد دوگانه ای دارند؛ برخی از این ارزش ها، کمک کننده و تسهیل گر غلبه بر این بحران هستند و برخی دیگر، موجب تشدید دشواری غلبه بر آن می شوند. در مورد

ارزش‌های ملی دسته نخست می‌توان به مواردی چون وفاداری، ایثار، شهادت‌گرایی و موعودگرایی اشاره کرد. توضیح اینکه اثبات وفاداری به کشور یا به مجاز، خاک و همچنین، ملت ایران، در زمره مهم‌ترین ارزش‌های بنیادین ملی است که ایرانیان حاضرند برای آن بسیار ایثار کنند. این ارزش بنیادین — چه در طول بحران جنگ هشت‌ساله و چه در جریان بحران کرونا سبب شده است که افراد بسیاری حتی با کمبود ملزومات برای مبارزه، در صحنه نبرد حاضر شوند و از ایثار جان خود نیز ابایی نداشته باشند. ایثار در راه هم وطن، اگرچه تاریخی به پیشینه ایران دارد، اما به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی در پیوند با ارزش‌های اسلام شیعی مانند شهادت‌گرایی، تشدید و تقویت شده است. دولت ایران نیز با توجه به این ارزش بنیادین، می‌کوشد با بازتولید آن، به هرچه بیشتر گسترش یافتن آن در جامعه در شرایط بحران کرونا — همانند بحران‌های دیگر گذشته — کمک کند، زیرا دولت در شرایطی می‌تواند در برابر بحران کرونا، آن‌هم با کمبود امکانات و تنگناهای مالی مقاومت کند که از نمادهای ایثار برخوردار باشد. برگزاری جشنواره‌های رسانه‌ای گوناگونی مانند «جان من، ایران من» توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هدف بازنمایی تلاش‌های مردمی و ایثار نیروهای بخش درمان، در همین راستا قابل بررسی است (ایرنا، ۱۳۹۹/۰۲/۲۵). موعودگرایی نیز یکی دیگر از ارزش‌های ملی ایرانی با منشأ تشیع است. موعودگرایی که خود در محیط‌هایی ظهور و بروز پیدا می‌کند که دربردارنده نشانه‌های رسالت‌گرایی باشند، در پیوند با آرمان‌های رمانتیک به جامعه کمک می‌کند که برای خلق فضایی جدید، تلاش کنند؛ نمونه این شرایط را می‌توان در تجربه انقلاب ۱۳۵۷ بررسی کرد (مصلی نژاد، ۱۳۸۷: ۳۸۵). این ارزش از یک سو سبب مقاومت در برابر روزگار سختی، و از سوی دیگر، موجب تلاش برای گذار از دشواری‌ها در راستای رسیدن به شرایط زیست بهتر می‌شود. گسترش ارزش موعودگرایی نیز مانند شهادت‌گرایی، از جمله الگوهای کلاسیک دولت جمهوری اسلامی ایران برای فراهم کردن زمینه‌های روانی لازم به‌منظور غلبه بر بحران‌های گوناگون، از جمله بحران کرونا است.

اما در مقابل این ارزش‌های بنیادین کمک‌کننده در بحران کرونا، می‌توان از ارزش‌های ملی دیرینه با طرفداران جدی در کشور سخن گفت که موجب می‌شود

یا نتوان برخی تصمیم‌ها را برای عبور سریع‌تر و آسان‌تر از بحران کرونا اخذ کرد یا این تصمیم‌ها به دشواری گرفته شوند. ارزش‌هایی مانند استقلال‌طلبی، خودکفایی یا خوداتکایی، ضدوابستگی، بیگانه‌گریزی و بیگانه‌ستیزی، و مذاکره‌ناپذیری در بحران کرونا، از جمله این‌گونه ارزش‌ها به‌شمار می‌آیند. اما عالم‌گیری کرونا چیزی را در برابر همه کشورها پدیدار می‌کند که تاکنون پوشیده بوده است و آن، پیچیدگی جهان انسانی است؛ پیچیدگی‌ای که در وابستگی و همبستگی متقابل میان انسان‌ها و کشورها آشکار می‌شود و یادآور این نکته است که مشکل یک کشور چگونه می‌تواند به مشکلی جهانی تبدیل شود و بر مشکل جهانی نیز تنها در وابستگی به دیگران و با کمک کشورهای دیگر می‌توان غلبه کرد. پیوستن به جریان یکپارچگی جهانی در بحران کرونا، نیازمند فرارفتن از ارزش‌هایی چون خودکفایی، ضدوابستگی، بیگانه‌ستیزی، و مذاکره‌ناپذیری است؛ امری که بحران کرونا نیز سبب تغییری در آن‌ها نشده است. چکیده‌وار می‌توان گفت، مجموعه ارزش‌های ملی، چه آن دسته از ارزش‌ها که کارکرد مثبتی در غلبه با بحران کرونا دارند و چه آن مجموعه ارزش‌هایی که کارکردی در غلبه بر بحران کرونا ندارند، امکان استمرار الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران را در بحران کرونا فراهم کرده‌اند. توضیح اینکه ارزش‌های ملی‌ای چون وفاداری، ایثار، شهادت‌گرایی و موعودگرایی، جبران بسیاری از کاستی‌ها و نارسایی‌های دولت در حوزه سیاست‌گذاری هستند و این امکان را فراهم می‌کنند که سیاست‌گذاران با تکیه بر زیست آن‌ها در متن جامعه ایرانی، ضرورتی برای تغییر و تحول بسیاری از الگوهای حکمرانی، حتی در «وضعیت اضطراری و ویروسی»، احساس نکنند. همچنین، ارزش‌هایی چون استقلال‌طلبی، خودکفایی، ضدوابستگی، و بیگانه‌ستیزی، به سبب ریشه‌های تاریخی پیدایش آن‌ها در کشور، مانند «تروما» ناشی از تهدیدهای خارجی تکرارشونده و همچنین، نیروهای پشتیبان و تقویت‌کننده‌شان در ساختار قدرت، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، استمرار الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران را در شرایط کرونایی تضمین می‌کنند.

۱۲-۳. عدم اقدام مؤثر برای گذار از محدودیت‌های جغرافیایی و سیاسی در بحران کرونا

موقعیت جغرافیایی ویژه ایران از منظر پرهمسایگی در بحران کرونا، کشور را در وضعیتی متناقض قرار داده است؛ از یک سو، ایران باید برای غلبه بر تحریم‌های بین‌المللی از موقعیت محوری و مرکزی مناطق ژئوپلیتیکی متداخل خود بهره‌برد و از سوی دیگر، به سبب داشتن مرزهای طولانی، به ویژه مرزهای زمینی، باید همواره نظارت دقیقی داشته باشد تا منابع جدید آلوده به ویروس وارد کشور نشوند. در منطقه خاورمیانه و در بحران کرونا، ناآرامی‌های بسیاری در کشورهای گوناگون، از جمله یمن، سوریه، افغانستان، و عراق وجود دارد که نوعی سیاست خارجه فعال را می‌طلبد و چنین سیاست خارجه‌ای، هم می‌تواند تنش‌زا باشد و هم هزینه‌های گزافی برای کشور به همراه داشته باشد. همچنین، حضور قدرت‌های بین‌المللی‌ای مانند آمریکا در منطقه سبب توجه به اوج‌گیری سطح درگیری‌ها با ایران در سال‌های اخیر— با این بیم همراه است که با استفاده از شرایط کرونایی، اقدام به مداخله‌هایی در کشور کند. این وضعیت در پی عادی‌سازی روابط اسرائیل با چند کشور عربی منطقه نیز مخاطره‌آمیزتر از گذشته شده است. اما بحران کرونا نیز سبب نشده است که صفت‌های چهارگانه حاکم بر سیاست خارجی انقلابی و تک‌چهره دولت جمهوری اسلامی ایران، یعنی جهان‌وطنانه (خواهان انقلاب و رهایی برای همه جهانیان)، امت‌گرایانه (جست‌وجوی عقبه طرفدار انقلاب اسلامی در میان امت اسلامی)، واکنش‌گرایانه (نفی ناپذیرفتنی‌های ترویج‌شده در دولت پهلوی)، و انقلابی‌گرایانه (نگاه فراواقع‌بینانه انقلابی‌وار در براندازی نظم موجود نظام بین‌الملل) (خلیلی، ۱۳۹۷: ۱۳۵) آن تغییر کند و شرایطی برای تعدیل خطرهای پیش‌گفته در راستای تسهیل غلبه بر بحران کرونا فراهم شود. این خود، سبب شده است که دولت ایران همانند گذشته با مشکل تخصیص مناسب منابع مالی محدود موجود روبه‌رو شود. شریعتی و یوسفی در پژوهش خود ضمن تحلیل سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران در بحران کرونا نشان داده‌اند که سیاست‌گذاران، دستاوردها و خسارت‌ها را به گونه‌ای سیاسی و نه اقتصادی سنجیده و در زمان تصمیم‌گیری، گزینه‌هایی را در نظر گرفته‌اند که بقای سیاسی‌شان را کمتر دچار مخاطره کند (شریعتی و یوسفی، ۱۳۹۹: ۱۴۰). در این معنا، الگوی حکمرانی دولت

جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی اش با اولویت و محوریت مسئله امنیت و تمام ویژگی هایی که برشمرده شد، در بحران کرونا نیز با وجود بازخوردهای نامطلوب آن تنها در یک نمونه محرومیت از دریافت وام از صندوق بین المللی پول به سبب کارشکنی دولت امریکا - استمرار یافته است و در این زمینه نیز تغییری در راستای غلبه بر محدودیت های جغرافیایی و سیاسی بین المللی رخ نداده است؛ شاید به این سبب که به تعبیر *باربارا تاکمن*، «اعتراف به خطا، جلوگیری از ضرر، و تغییر خط مشی، نفرت انگیزترین گزینه برای دولت ها است» (هرمان، ۱۳۹۲: ۳۲۰).

نتیجه گیری

بیماری های عالم گیر و تأثیر آن ها بر سرنوشت بشر به طور عام و دولت ها به طور خاص، یکی از مسائل مورد توجه پژوهش های میان رشته ای در نیم قرن اخیر است. عالم گیری ویروس کرونا نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ به گونه ای که پایایی زیست و سرعت گسترش سرسام آور آن در جهان سبب شد که از مشکلی در جغرافیای پزشکی و زیستی فراتر رود و اقلیم های دیگر زیست جمعی بشر را بگشاید؛ ویروس کرونا، سایه خود را بر تمام حوزه ها از عرصه سیاسی و اجتماعی گرفته تا اقتصادی و روانی - افکنده است. اما در این میان، شاید تأثیر بحران کرونا بر دولت و الگوهای حکمرانی آن در هر کشور به سبب پاسخ مقتضی ای که بنا به شرایطشان می دهند، بیش از همه اهمیت داشته باشد. مسئله پژوهش حاضر نیز، چنان که شرح آن رفت، امکان سنجی تغییر الگوهای حکمرانی در دولت جمهوری اسلامی ایران بود.

درواقع، و رای پیش زمینه پژوهشی و تاریخی این مسئله، می توان به گسترش ویروس کرونا در ایران به سبب ویژگی هایی چون غیرمعمول، فراگیر، و بزرگ مقیاس بودن، تأثیر چندجانبه بر حوزه های گوناگونی از زیست فردی و اجتماعی ایرانیان، ایجاد زمینه برای انجام اقداماتی ناگهانی و متفاوت در راستای کنترل پیامدهای آن، و چشم انداز غیروشن از آینده آن، واژه «بحران» را اطلاق کرد. «بحران بودگی کرونا» در ایران همانند کشورهای دیگر، نگارندگان را به این پرسش رهنمون کرد که آیا بحران کرونا سبب تغییر الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران شده است یا نه؟

پاسخ نخستین این بود که با وجود برخی تغییرات موردی متأثر از «وضعیت اضطراری ویروسی»، الگوهای حکمرانی در دولت جمهوری اسلامی ایران تداوم یافته است. برای آزمون این فرضیه، با بهره‌گیری از روش توصیف پرمایه، داده‌های خبری، اطلاعات و آمار، و برخی منابع کتابخانه‌ای را گردآوری و با بهره‌گیری از نظریه «آشوب» جرد دایموند و متغیرهای دوازده گانه آن، بستری نظری را برای بررسی شیوه رویارویی دولت جمهوری اسلامی ایران با بحران کرونا فراهم کردیم. در کاربست روش توصیف پرمایه، تلاش شد تا با بررسی عوامل دوازده گانه مرتبط با حل و فصل بحران کرونا در ایران، با افزودن عمق و دامنه اطلاعات تاریخی، اجتماعی، و سیاسی، ابعاد چندگانه رویداد کرونا در ارتباط با الگوهای حکمرانی دولت به دقت تشریح و تبیین شود، زیرا پاسخ به پرسش پژوهش، نیازمند نگاهی نسبتاً جامع و سنجش مؤلفه‌های گوناگون مرتبط با مسئله پژوهش در پیوند با یکدیگر بود. برپایه تأملاتی معطوف به واقعیت‌های پیرامونی و یافته‌هایی که در چارچوب نظریه دایموند صورت‌بندی شد، می‌توان گفت، اگرچه در ایران به دلیل هماهنگی و انطباق نسبی با «وضعیت اضطراری ویروسی»، بازبینی‌هایی در برخی از روش‌های حکمرانی برای گذار از این دوره در دستورکار قرار گرفته است، ساخت دولت در جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای صورت‌بندی شده است که بحران کرونا با وجود اینکه رویدادی کم‌نظیر و تجربه‌ای متفاوت است، نتوانسته است الگوهای حکمرانی آن را تغییر دهد و در نتیجه، الگوهای حکمرانی در دولت جمهوری اسلامی ایران، تداوم یافته است.

درواقع، نگارندگان با تکیه بر یافته‌های خویش، در میانه تحلیل‌های خوش‌بینانه و بدبینانه وضعیت الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران در بحران کرونا ایستاده و به نقد ضمنی این دیدگاه‌های مسلط بر فضای رسانه‌ای پرداخته‌اند؛ به گونه‌ای که از یک سو، با تحلیل‌های غیرواقع‌بینانه و تقلیل‌گرایی که بیشتر با عبارت‌هایی مانند «کرونا به ما نشان داد» یا «کرونا به ما یادآوری کرد» آغاز می‌شوند و با نوعی شتاب‌زدگی و گاهی ذوق‌زدگی، با تکیه بر چند نشانه منفرد و مستقل از تغییرات محدود مشاهده شده در الگوهای حکمرانی، به ضرورت وضعیت جدید ناشی از بحران کرونا و به گسست از الگوهای مستقر حکمرانی دولت در ایران

حکم می دهند و آن‌ها را مقدمه‌ای بر تغییرات بنیادین در همه‌الگوهای حکمرانی می‌دانند، همدلی ندارند، زیرا بر این نظرند که اگرچه کرونا چنین کارکردی داشته است، تنها این کارکرد به خودی خود سبب تغییر نمی‌شود و تغییر الگوهای حکمرانی در جهت مطلوب، نیازمند فراهم کردن پیش‌زمینه‌هایی است که تاکنون ایجاد نشده‌اند. ازسوی دیگر، با تحلیل‌هایی که سرنوشت الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران در بحران کرونا را سراسر تباهی می‌انگارند و به زوال دولت جمهوری اسلامی ایران حکم می‌دهند نیز همراهی ندارند، زیرا به دلیل هماهنگی و انطباق نسبی با «وضعیت اضطراری ویروسی» و به ضرورت کنترل گسترش ویروس کرونا، تغییراتی در برخی از روش‌های حکمرانی دولت برپایه شرایط خاص کرونایی و برای گذار از این دوره به گونه‌ای مقطعی ایجاد شده است که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت.

به جز سیطره گفتمانی «کرونانویسی»‌های خوش‌بینانه و بدبینانه در فضای رسانه‌ای و حتی دانشگاهی درباره تأثیر بحران کرونا بر الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران، تازگی موضوع و کمبود منابع، از دشواری‌های دیگر قابل‌پیش‌بینی در این پژوهش بود. اما با مرور پژوهش حاضر و پیش‌فرض پذیرش آن به مثابه یک نقطه آغازین در مسیر «کروناپژوهی» درباره دولت ایران، دست کم دو موضوع جدید از بطن آن به دست می‌آید که پژوهشگران دیگر می‌توانند با گام نهادن در این مسیرها، به تکمیل این مطالعه کمک کنند؛ نخست، بررسی چرایی تداوم الگوهای حکمرانی دولت جمهوری اسلامی ایران که می‌توان آن را با کاربست نظریه‌هایی مانند «وابستگی به مسیر» تحلیل و بررسی کرد و دوم، کاربست روش‌های آینده‌پژوهانه برای بررسی سناریوهای احتمالی پیش‌روی دولت جمهوری اسلامی ایران و الگوهای حکمرانی آن در وضعیت پساکرونایی در آینده.*

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۹۹ الف)، *گفتارهایی در مورد کرونای ایرانی*، بی‌جا.
- _____ (۱۳۹۹ ب)، *دولت ایران و کرونا*، بی‌جا.
- آگامین، جورجو (۱۳۹۹)، «وضعیت استثنایی ناشی از اضطراری ناموجه»، در کتاب: *پاندمی کرونا دنیا را تکان می‌دهد*، ترجمه نوید گرگین، تهران: شب‌خیز.
- بارون، لایبی (۱۳۹۹)، «از واکنش تایوان، سنگاپور و هنگ‌کنگ به شیوع ویروس کرونا چه می‌توان آموخت؟»، ترجمه عرفان ثابتی، در کتاب: *ثابتی، عرفان [به‌کوشش]، ما و کرونا؛ صعب‌روزی، بوالعجب‌کاری، پریشان‌عالمی*، لس‌آنجلس: نشر آسو.
- پایگاه خبری اقتصادآنلاین (۱۳۹۹/۰۲/۰۷)، «درخواست وام ایران از صندوق بین‌المللی پول چه شد؟»، در دسترس در:
- <https://bit.ly/3gx1Wwc>
- پایگاه خبری انصاف نیوز (۱۳۹۹/۰۱/۱۷)، «جهانپور: آمارهای چین درباره کرونا شوخی بود»، در دسترس در:
- <https://bit.ly/2XqTDu9>
- پایگاه خبری ایرنا (۱۳۹۹/۰۱/۰۳)، «درخواست از روحانی برای قرنطینه درون و برون‌شهری تا بیستم فروردین، در دسترس در:
- <https://bit.ly/39QMpE>
- _____ (۱۳۹۹/۰۲/۰۴)، *طرح هر خانه یک پایگاه سلامت، الگوی جهانی می‌شود*، در دسترس در:
- <https://bit.ly/3fw0c4K>
- _____ (۱۳۹۹/۰۲/۰۴)، «نمکی: حاضریم به مردم گرفتار امریکا کمک کنیم»، در دسترس در:
- <https://bit.ly/3gu16zY>
- _____ (۱۳۹۹/۰۳/۱۰)، «وزیر بهداشت: مقابله ایران با کرونا الگوی موفق جهانی است»، در دسترس در:
- <https://bit.ly/2XraZap>
- _____ (۱۳۹۸/۱۲/۱۱)، «سپاه و بسیج تا غلبه کامل بر کرونا در صحنه خواهند بود»، در دسترس در:
- <https://bit.ly/2EIOQ0y>

_____ (۱۳۹۹/۰۱/۱۸)، «موسوی: بیش از ۳۰ کشور و سازمان به دولت و ملت ایران کمک کردند»، در دسترس در:

<https://bit.ly/2PyKtHT>

_____ (۱۳۹۹/۰۴/۱۸)، «وزیر بهداشت: برنامه داشتیم، اما عده‌ای دچار سهل‌انگاری شدند»، در دسترس در:

<https://bit.ly/2BYJo8Z>

_____ (۱۳۹۹/۰۲/۲۵)، «مسابقه جان من، ایران من؛ تلاشی برای ثبت توانمندی کشور در مبارزه با کرونا»، در دسترس در:

<https://bit.ly/2DE0dqq>

_____ (۱۳۹۹/۰۷/۲۵)، «بسیج همگانی ملت و دولت را برای مقابله با کرونا در کشور اعلام می‌کنم»، در دسترس در:

<https://bit.ly/34yD7vG>

_____ (۱۳۹۹/۰۱/۲۸)، «وزیر بهداشت در پاسخ به یک اقتصاددان: الگوی مدیریت بیماری کرونا منحصر به ایران است»، در دسترس در:

<https://bit.ly/3k4yFee>

_____ (۱۳۹۸/۱۱/۲۸)، «هیچ مورد مثبتی از کرونای جدید در ایران نداریم»، در دسترس در:

<https://bit.ly/2Dj2VBv>

_____ (۱۳۹۹/۰۱/۰۵) «مخالفت دلواپسان و اخراج پزشکان بدون مرز از ایران»، در دسترس در:

<https://bit.ly/3i8QzuJ>

_____ (۱۳۹۹/۰۱/۲۵)، «درخواست آذربایجان غربی برای تعطیلی صنوف کم‌ریسک رد شد»، در دسترس در:

<https://bit.ly/39YmoTV>

_____ (۱۳۹۸/۱۲/۲۲)، «گلایه شدید وزیر بهداشت از مردم»، در دسترس در:

<https://bit.ly/3fsriKb>

_____ (۱۳۹۹/۰۱/۰۹)، «ویروس کرونا چه زمانی وارد ایران شد؟»، در دسترس در:

<https://bit.ly/3ka5ztR>

_____ (۱۳۹۹/۰۵/۰۱)، «معاون وزیر بهداشت: مردم، کرونا را ساده‌انگاری کردند»، در دسترس در:

<https://bit.ly/3gw8R8S>

_____ (۱۳۹۹/۰۱/۰۶)، «تخت‌روانچی: تحریم‌های آمریکا توان ایران برای مبارزه با کرونا را محدود کرده است»، در دسترس در:

<https://bit.ly/2PnbBcL>

_____ (۱۳۹۹/۰۵/۰۶)، «بیانیه ۵۰۰ نفره اهالی

فرهنگ و حقوق برای آزادی مؤسس جمعیت امام علی(ع)»، در دسترس در:

<https://bit.ly/31jmGRx>

پایگاه خبری دنیای اقتصاد (۱۳۹۹/۰۳/۱۲)، «نمکی: باید خود را برای بدترین وضعیت آماده کنیم»، در دسترس در:

<https://bit.ly/2LX8GZD>

_____ (۱۳۹۹/۰۳/۲۵)، «روحانی: موج دوم کرونا نداریم و آنچه هست موج اول است»، در دسترس در:

<https://bit.ly/3igXAtd>

_____ (۱۳۹۹/۰۸/۲۶)، «هشدار وزیر کشور درباره آمارسازی و مخفی‌کاری در موضوع کرونا»، در دسترس در:

<https://bit.ly/34QDYbt>

پایگاه خبری رکنا (۱۳۹۹/۰۲/۰۲)، «جدال بین سخنگوی وزارت بهداشت و اعضای شورای شهر تهران بالا گرفت»، در دسترس در:

<https://bit.ly/3ftQHDh>

پایگاه خبری عصر ایران (۱۳۹۹/۰۴/۲۱)، «اگر همه چیز بسته شود، مردم از گرسنگی و بیکاری به خیابان خواهند آمد»، در دسترس در:

<https://bit.ly/30wIFGv>

پایگاه خبری همشهری (۱۳۹۹/۰۸/۳۰)، «معاون وزیر بهداشت استعفا داد»، در دسترس در:

<https://bit.ly/37B8S8d>

_____ (۱۳۹۹/۰۸/۳۰)، «نمکی: بعضی کشورها پروتکل های کرونا را از ما کپی کردند»، در دسترس در:

<https://bit.ly/3s43Fiy>

توانایی، احمد (۱۳۹۹)، «مواجهه گفتمانی مطبوعات جمهوری اسلامی ایران در بازنمایی پدیده «کرونا»: بحران یا بیماری؟»، در کتاب: همایون، محمدهادی؛ بنی اسدی، رضا [به‌کوشش]، *آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها*، ج ۱، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
چاتنر، آیزاک (۱۳۹۹)، «چگونه بیماری‌های عالمگیر، دنیا را تغییر می‌دهد [گفت‌وگو با فرانک ام. اسنودن]»، ترجمه شیرین کریمی، در کتاب: *گروه نقد اقتصاد سیاسی*، نقد اقتصاد سیاسی کرونا، بی‌جا.

حق گو، جواد؛ سلیمانی، غلامعلی (۱۳۹۹)، «چگونگی رویارویی رسانه‌های دولتی ایران با بحران کرونا»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره ۱۵، شماره ۲.

حیدری، آرش (۱۳۹۹)، *واژگونه‌خوانی استبداد ایرانی*، تهران: انتشارات مانیاهنر.
خلیلی، محسن (۱۳۹۷)، «ایران پرهمسایه و سیاست خارجی چندهمسایگی»، *پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، دوره ۳، شماره ۳.

_____ (۱۳۹۹)، «بازی تاج‌وتخت کرونا؛ آموزه‌ای برای سیاست‌ورزی ایرانی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره ۱۵، شماره ۲.

دالس، مایکل والتز (۱۳۹۵)، «طاعون و افول تمدن اسلامی»، ترجمه قربان بهزادیان نژاد،

تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
 دایموند، جرد (۱۳۹۸)، آشوب، نقاط عطف برای کشورهای بحران زده، ترجمه اصلان قودجانی، تهران: طرح نو.

_____ (۱۳۹۹)، *اسلحه، میکرب و فولاد: سرنوشت جوامع انسانی*، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: بازتاب نگار.

دینی ترکمانی، علی (۱۳۹۹)، «کرونا، پیام آور بازگشت به اجتماع»، پویه، شماره ۱۱.
 دیویس، مارک؛ لوهم، دوینا (۱۳۹۹)، *پاندمی، مردم و روایت*، ترجمه اسماعیل یزدان پور، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

رجایی، فرهنگ (۱۳۹۱)، *مشکله هویت ایرانیان امروز*، تهران: نشر نی.
 رفیعی بهابادی، مهدی (۱۳۹۹/۰۱/۰۴)، «اعتماد ندارند، اما به توصیه‌ها عمل می‌کنند»، در دسترس در:

<https://bit.ly/33loXyi>

رنانی، محسن (۱۳۹۹/۰۲/۲۷)، «کرونا و توسعه: کلاس ملی قماربازی»، در دسترس در:

<https://bit.ly/3kjWoHk>

رهنما، محمدرحیم؛ بازرگان، مهدی (۱۳۹۹)، «تحلیل الگوهای مکانی-زمانی اپیدمی ویروس کووید ۱۹ و مخاطرات آن در ایران»، *فصلنامه دانش مخاطرات*، دوره ۷، شماره ۲. ژیتک، اسلاوی (۱۳۹۹)، «پاندمی کرونا دنیا را تکان می‌دهد»، ترجمه نوید گرگین، تهران: شب‌خیز.

السان، مصطفی (۱۳۹۹)، «مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیر (بررسی موردی کووید-۱۹)»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۲۳، ویژه‌نامه حقوق و کرونا.

سجادی، حمید (۱۳۹۹)، «ارزیابی راهبردهای نظام مدیریت سیاسی بحران در ایران در مواجهه با تهدیدات همه‌گیری کووید-۱۹»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۱۵، شماره ۲. شایگان، داریوش (۱۳۹۳)، *پنج اقلیم حضور*، تهران: فرهنگ معاصر.

شریعتی، شهرزاد؛ یوسفی، امین (۱۳۹۹)، «پاندمی کرونا و تحلیل پلی‌هیوریستیکی سیاست خارجی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۱۵، شماره ۲.

صفراهنگ، رسول (۱۳۹۹)، «نقد فرانظری هستی‌شناختی حکمرانی دولت‌ها در سیاست‌گذاری سلامت برای کنترل همه‌گیری کووید-۱۹ (مطالعه موردی ایران)»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۱۵، شماره ۲.

عجم‌اوغلو، دارون (۱۳۹۹)، «دولتِ پساکووید»، ترجمه رضا امیدی، در دسترس در:

<https://bit.ly/3a08VLo>

عجم‌اوغلو، دارون؛ رابینسون، جیمز ای (۱۳۹۲)، «چرا کشورها شکست می‌خورند»، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

فاضلی، محمد (۱۳۹۹) «آیا حکمرانی پساکرونا بهتر می‌شود؟ متاستاز کرونا بر اقتصاد، سیاست و فرهنگ»، *اندیشه پویا*، سال ۹، شماره ۶۶.

فتاحی، سجاد (۱۳۹۹)، «آسیب‌شناسی نظام حکمرانی در مواجهه با کرونا»، در کتاب: سلگی، محمد؛ مطلبی، داریوش؛ غلامی‌پور، اسماعیل [به‌کوشش]، *کرونا و جامعه ایران*،

- تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
 فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴)، *ما ایرانیان*، تهران: نشر نی.
 فوکو، میشل (۱۳۸۹)، *تولد زیست‌سیاست*، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: نشر نی.
 فولر، گراهام (۱۳۷۳)، *قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
 قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۹۹)، *سیاست کرونا مابین رتروتوپیا و اتوپیا*، تهران: انتشارات امید صبا.
 کاتوزیان، همایون (۱۳۹۴)، *ایرانیان دوره باستان تا دوره معاصر*، ترجمه حسین شهیدی، تهران: نشر مرکز.
 کپ، پیوتر (۱۳۹۸)، *زیان هراس*، ترجمه علی بصارتی، تهران: لوگوس.
 کرکو، پیتر؛ سیچرل، پاتریک (۱۳۹۹)، «انتشار ویروس گونه: کووید ۱۹ در زیست‌بوم اخبار ساختگی»، ترجمه هامون نیشابوری، در کتاب: ثابتی، عرفان [به کوشش]، *ما و کرونا؛ صعب‌روزی، بوالعجب‌کاری، پریشان‌عالمی*، لس‌آنجلس: نشر آسو.
 کسرایبی، محمدسالار (۱۳۹۹/۰۳/۲۴)، «کروناویروس و بحران حکومت‌گری»، در دسترس در:
<https://bit.ly/3fAFCjD>
 مالجو، محمد (۱۳۹۹)، «اثرگذاری متقابل سیاست و کرونا در ایران»، در: *نقد اقتصاد سیاسی کرونا (۲۲۴-۲۲۱)*، در دسترس در:
www.pecritique.com
 محمدپور، محمد (۱۳۹۷)، *ضد روش*، تهران: لوگوس.
 مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۹)، *جامعه مدنی و کرونا تجربه جهانی*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
 مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۷)، *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: فرهنگ صبا.
 منصور، مریم (۱۳۹۹)، «چالش ویروس کرونا و رویکرد متمایز جمهوری اسلامی ایران»، در کتاب: همایون، محمدهادی؛ بنی‌اسدی، رضا [به کوشش]، *آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها*، ج ۲، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
 ناصر مقدسی، عبدالرضا (۱۳۹۹)، *جهان بدنی و آخرالزمان کرونایی*، تهران: لوگوس.
 ناطق، هما (۱۳۸۹)، *از ماست که بر ماست و مصیبت و با و بلای حکومت*، تهران: نگارستان کتاب.
 نصیری‌حامد، رضا (۱۳۹۹)، «بحران کرونا به مثابه مجالی برای بازاندیشی در وضعیت سیاسی اکنون»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۵، شماره ۲.
 نیلی، مسعود (۱۳۹۸/۱۲/۲۱)، «کرونا در بزنگاه حکمرانی»، در دسترس در:
<https://bit.ly/31bezGs>
 هاروی، دیوید (۱۳۹۹)، *بیماری فراگیر در عصر نئولیبرال*، ترجمه مریم وحدتی، تهران: نشر افکار.
 هرمان، چارلز (۱۳۹۲)، *سیاست‌گذاری خارجی و پافشاری بر خطا*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

Afkhami, A. A. (2019), *A Modern Contagion: Imperialism and Public Health in Iran's Age of Cholera*, Baltimore: Johnes Hopkins University Press.

Geertz C. (1973), "Thick Description: Toward an Interpretive Theory of Culture", In: *Interpretations of Cultures*, New York: Basic Books.

Tavakoli-Targhi, M. (2009), "Everyday Modernity and Religious Inoculation", *Irannameh*, 24 (4), 431-458.

WHO Coronavirus Disease (COVID-19) Dashboard, (08/01/2021): available at: <https://covid19.who.int/table>.

Worldmeter, (04/10/2020), (Reported Cases and Deaths by Country, Territory, or Conveyance), available at: <https://bit.ly/30tLYNF>.